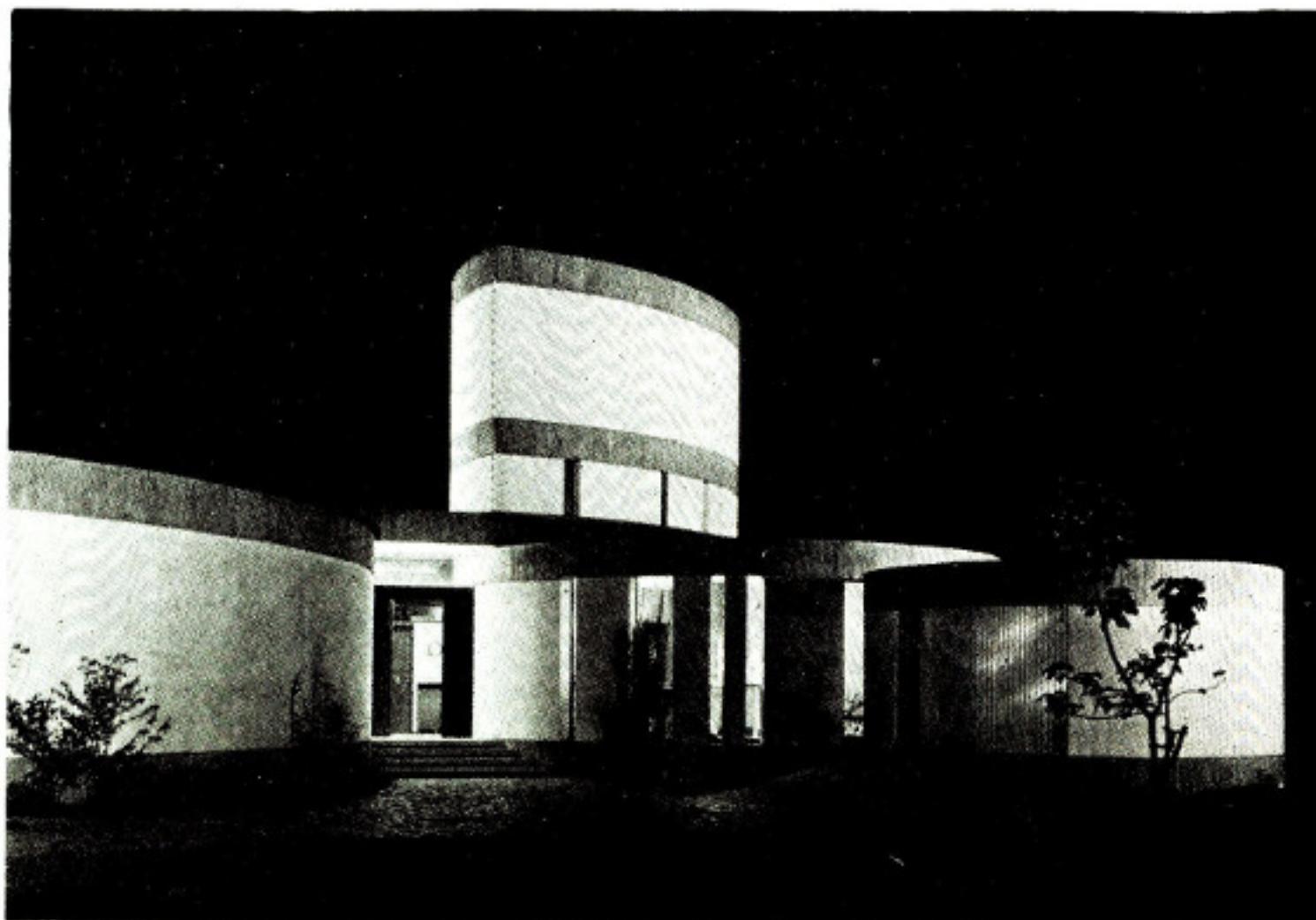
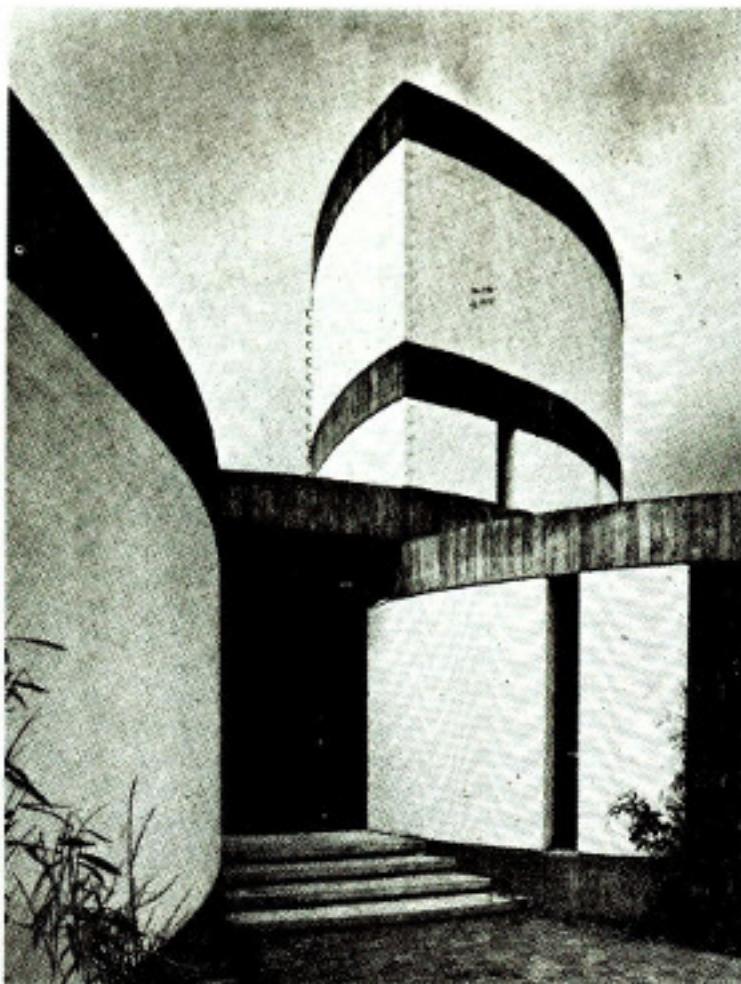
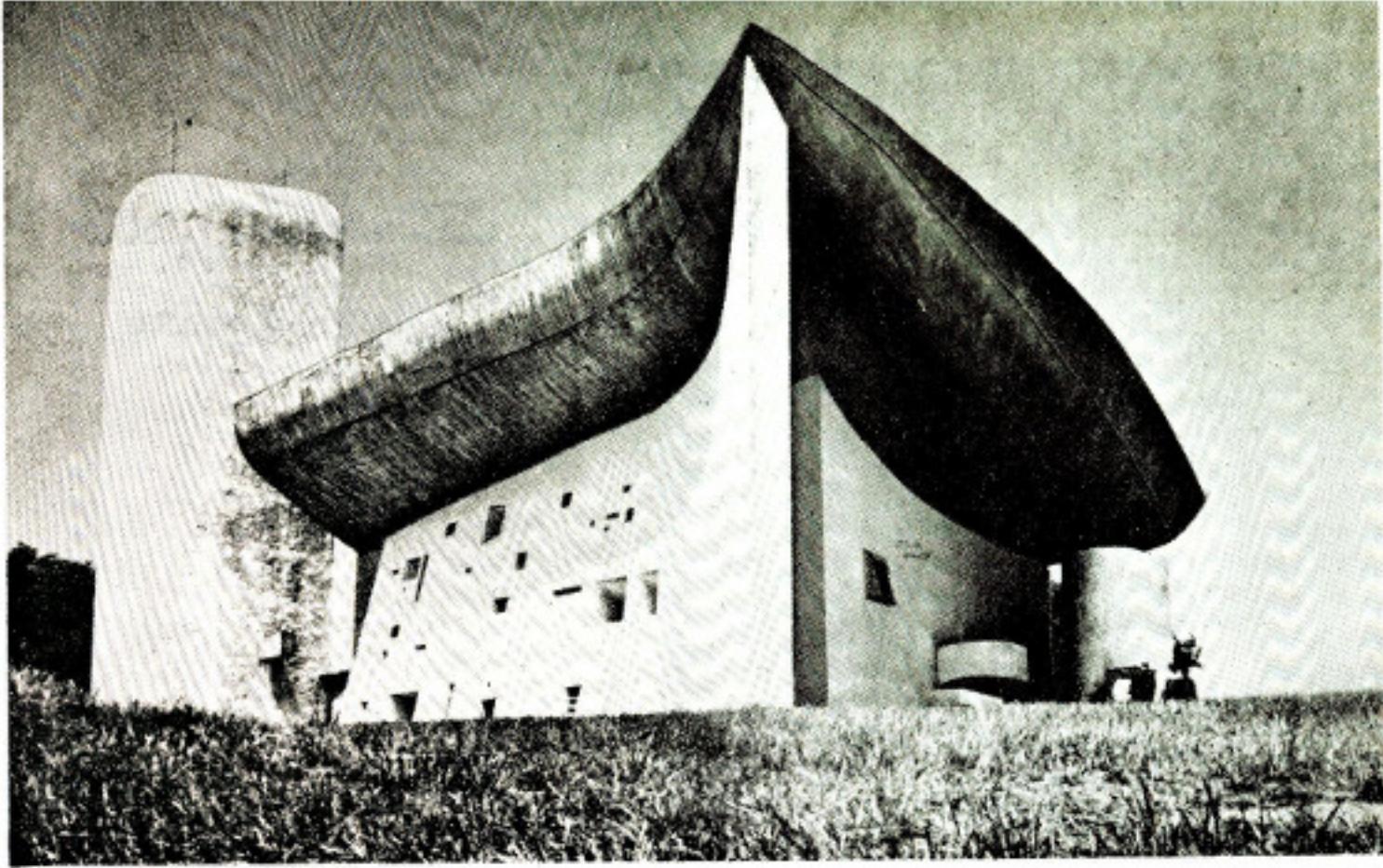


# نگاهی به تحولات معماری جهان

از پیروز سرابندی

دفتر کار و منزل مسکونی  
برای یک نفر دانشمند طرح و  
اجرا از « پاول شتايدر » ارشیتکت  
آلمانی .





دو نمونه از دو کلیسا در فرانسه.  
اولی کلیسای «رون شامپ» اثر لوکور بوزیه  
که مورد استقبال بی سابقه معماران جهان  
قرار گرفت و دیگری کلیسای ابتدائی  
وساده است.

بعد از رنسانس فرن پا زد و شانزده  
و با انتشار آثار هنری بلاییک و تفسیر  
اصول و روش‌های مبدیری دوره‌های عتیق  
و عیان شدن آن سه رازهای پوستیده،  
پندریج در طی یکی دو هزار، شیوه تعلیم  
منزه معماری بلای خیز یافت، یعنی اگر  
بر گذشته اموزش سن و غنون نهای از طریق  
تجربه و عمل معلم بود از این پس بصورت  
ترجمه آثار پاستاری در اعدای بدون آنکه مفهوم  
و افعی نکات هنری آن مورد انصاف قرار کشد.  
لذا پس از اموزش حقیقی سنت‌های دوران  
گذشته رو بکاهش نهاد. تا سرانجام با ایجاد  
اکادمی‌های معماری در ایتالیا و فرانسه،  
رشته نار از کف اصناف معمار خارج شد.  
معماران آکادمیک به بیانه و استگی  
پرسن هنری و تبعیت از تعالیم آن بحای  
پیش‌نازی بسوی آینده و تدبیر بازگشتند یعنی  
آنکه لافل از میراث گذشکان آنچه را که  
بکار روز میخورد، مورد استفاده قرار  
دهند.

شکل‌ها و ترکیب‌های قدیمی که دیگر  
غایت صوری و ارزش اساسی خود را ازدست  
داده بود و بهیچوجه با برنامه‌های تازه و  
هدف و محظی پناهای جدید تطبیق نمیکرد،  
مورد تقلید قرار گرفت. و  
هیین پدافشاری در حفظ یک مئت  
قورم و چند راه حل ناموافق باعث شد که  
آن حمیمه و حالتی که در گذشته میین  
معنای خطوط و شکلها و حجم‌ها و تریبات

اندام معماری بود از دست برود ، و یک معماری سطحی و بی معنی و بی هدف بوجود آید .

معمارانی چون لوکوریوزه و رایت ، حتی موفق شده‌اند ه از پر دست سنن هنری دیگران امپیازات قابل توجه و تحسین آمیزی در ابداعات خود بدمت اورند .

مفهوم ابداع یا ابتکار در فلمنو هنر آن نیست ه چیزی پیافرینیم ه رابطه‌ای با هنر دستخان نداشته باشد . هیچ هنری از این راه هنامی فیاقه و اکر هم چند روزی برخنیده ، درواقع دولت مستجل بوده است .

در کتاب ( معماری شما و من ) توشه زیکریدگیدیون روش شده که یعنی درک معماران قرن نوزدهم و قرن بیستم اختلاف فراوانی وجود دارد . ما در زمانی هشتم که سنت جدیدی در معماری جهان شکل می‌کیرد . اصولاً نباید لغت « سیک » را برای معماری تو پکار برد ، جنبش جدید معماری چیزی شبیه سیک‌های معماری قرن نوزدهم نیست درک جدیدی است از زندگی امروز و شرایط آن . ما تنها میتوانیم آرا بصورت سنت تازه‌ای توجه کنیم و نشانه‌های زیادی صحت نتیجه کیری ما را تائید می‌کنند . علیرغم مشکلات زمانی سنت جدید در معماری و شهرسازی به توسعه خود ادامه می‌دهد این سنت در نقاط گوناگونی مثل فلاند ، برزیل و زاین بوضوح تجلی کرده است .

و در پانزده سال اخیر جهات توسعه آن مرتبه متعدد شده‌اند . این استقبالی است جهانی از ارزش‌های تازه‌ای مثل « مقیاس انسانی » « حقوق فردی » و « امنیت حرکت در شهر » .

طراحتی در یک مقیاس بزرگ به معمار این اجازه را میدهد که طرح یک شهر یا یک ناحیه را بریزد — معدالت میله این است که ما چگونه میخواهیم زندگی کنیم . یکنوع احساس ناراحتی و ناراضیت در مورد وضع شهرها در تمام دنیا پیدا شده است . نشده‌های گوناگون برای ایجاد هر گز شهری برای تقریباً همه شهرهای بزرگ از « هلسینکی » تا آتن در اروپا و پایتخت‌های جدید و قدیمی آسیا و آفریقا مثل بغداد اسلام آباد درست نهیه است .

در شاندیگار به پیروی از سنت قدیمی مرکز دولتی در قلب شهر بنانده است در پرازیلیا مرکز دولتی در منطقه الیه شمالی شهر قرار دارد . در استکلهلم محلی پسرای ایجاد یک مرکز بزرگ و جدید آماده شده است . در بوستون عده‌ای از استادان دانشگاه طرحی برای تبدیل یک ایستگاه رام آهن قدیمی به مرکز شهر در دست دارد . مرکز تجاری « راکفلر » در نیویورک با وجود



خاور دور و در فنلاند و بزریل باشکال گوناگون ساخته میشود . بناهانی که نوع تازهای از خلاقیت هنری را عرضه میکند ابتدا در فنلاند دیده شده و بعد در بزریل هر کشور اختصاصات منطقه‌ای خود را به آن افروز فنلاند نشان داد که چگونه معماری جدید نمیتواند در عین حال بین‌المللی و منطقه‌ای باشد . و بزریل با حفظ روحیه آمریکای لاتین زیبائیهای تازهای از شکل و خط در يك سری نماها و طرح‌های بسیار جالب معرفی کرد .

ورود ژاپن به جریان اصلی معماری جدید . آخرین تحرك است . برای اولین بار صدای خاور دور را میشنویم . قبلاً در قرن هیجدهم سنت‌های محلی چین و ژاپن در غرب خیلی مورد توجه واقع شد . در قرن نوزدهم بصورتی جدیتر ، عیقق تر - حکاکی ژاپنی روی چوب به امیرسیوئیستها در تکوین اندیشه هنر هایشان کمک کرد . ولی امروز وضع بکلی متفاوت است . حالا ژاپن سنت‌های کهنه را عرضه نمیکند . وقتی در سال ۱۹۵۳ ( زیگفرید گیدیون ) متدعه‌ای بر ترجمه ژاپنی ( فضا ، زمان و معماری ) مینوشت خود را ناگزیر به بیادآوری این نکته میداند که دیگر غرب نمیتواند ادعای پرچم‌داری تمدن جدیدرا داشته باشد . تمدن جدید تیجه پرخورد شرق و غرب است . تازگی معماری ژاپنی در عین حال که بسیاری

پیدایش نمدن‌ها بوده است ، ولی شکل آن در حالتغیر است . امروز توسعه شهرهای بزرگ کاملاً در جهت منظم کردن آنها است .

در ربع قرن اخیر تنها اروپا منشاء جنبش‌های نازه برای توسعه معماری جدید نیووده است . یک توسعه بین‌المللی در جهان است که روی پایدهای مشابه بنا نشده است و بزم‌گیهای توسعه بین‌المللی بستگی دارد به برداشت معمار هر تعلق از فضا و این خود به حالات روحی و عاطلی و معتقدات مربوط نمیشود .

درک ( ساختمان اشکال ) در طرح رایله آنها با یکدیگر ، طرز جدا کردن فضای داخل از فضای خارج و هم‌آهنگی این دو با یکدیگر پایه‌های معماری امروز است .

نکته دیگری هم است که اهمیت کمتر از اولی نیست و آن اصول و اختصاصات بهترین نمونه‌های معماری زمان ماست .

توجه به نمونه‌های خوب معماری به تصور هنری معمار میدان و قدرت میدهد . عناصر فعال متفاوت را ( جنبش جدیدمنطقه‌ای ) مینامیم جنبش‌های را ( جنبش را میتوان بوسیله برداشت‌های گوناگون از فضا و نحوه‌های مختلف بیان شناخت ، در این میان احتیاجات منطقه‌ای هم جای مهمی دارد . یکنوع مشخص ساختمان در خاور میانه ،

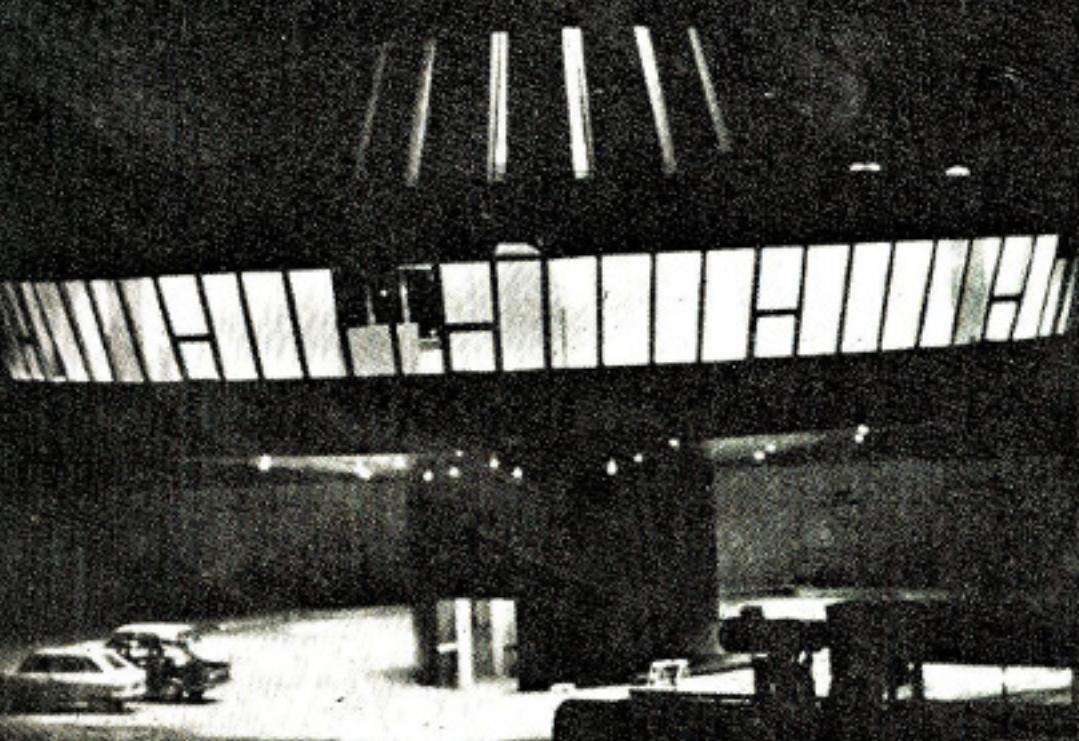
این که مدت نسبتاً زیادی از ساخته است میکنده هنوز از بزرگترین مراکز شهری ایالات متحده است .

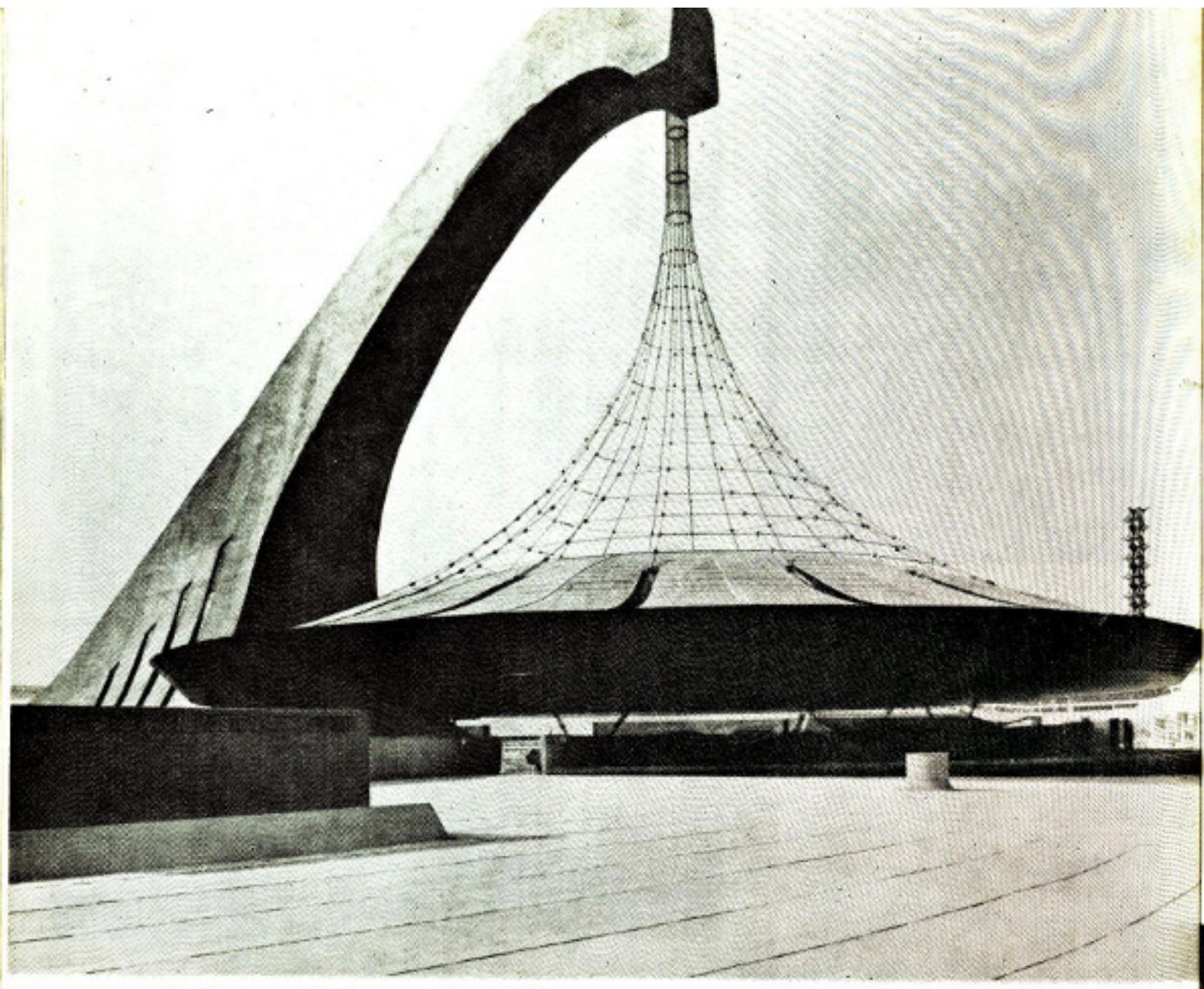
افکار جدیدی برای شهرسازی امروزه از ژاپن سرچشمه میگیرد . توسعه بسیار سریع توکبو در بیست سال اخیر معماران ژاپنی را وادار کرده است که برای حل بسیاری از مشکلات پیش‌بینی نشده کوشش کنند . طرح پیشنهادی « کنزوتانگ » معماری ژاپنی برای توکبو در سال ۱۹۶۰ در این میان پیش از همه جلب نظر کرده است .

بلور کلی بنایی ( تانگ ) در طرح ۱۹۶۰ به ترتیب خانه‌های محلی فیز در نظر گرفته شده‌اند ولی نکته قابل توجه این است که وقت زیادی صرف شده که روش‌های جدید ساختمان با این طرح تطبیق داده شوند . در کتاب ( فضا ، زمان و معماری ) این سوال مطرح شده که آیا باید شهر را نابود کنیم یا تغییر کلی در آن بوجود بیاوریم .

ایده ( فرانک لوید رایت ) برای تخریب کامل شهرها و زندگی افرادی تعقیب نشد . حالا راه درازی را در پیش باز خود میبینیم . حفظ روحیه صمیعی زندگی - هنریان انسانی - طراحی برای جمعیت در حال تراوید و بسیاری مشکلات دیگر ولی شهر نابود نخواهد شد . از دیرباز شهر نشانه

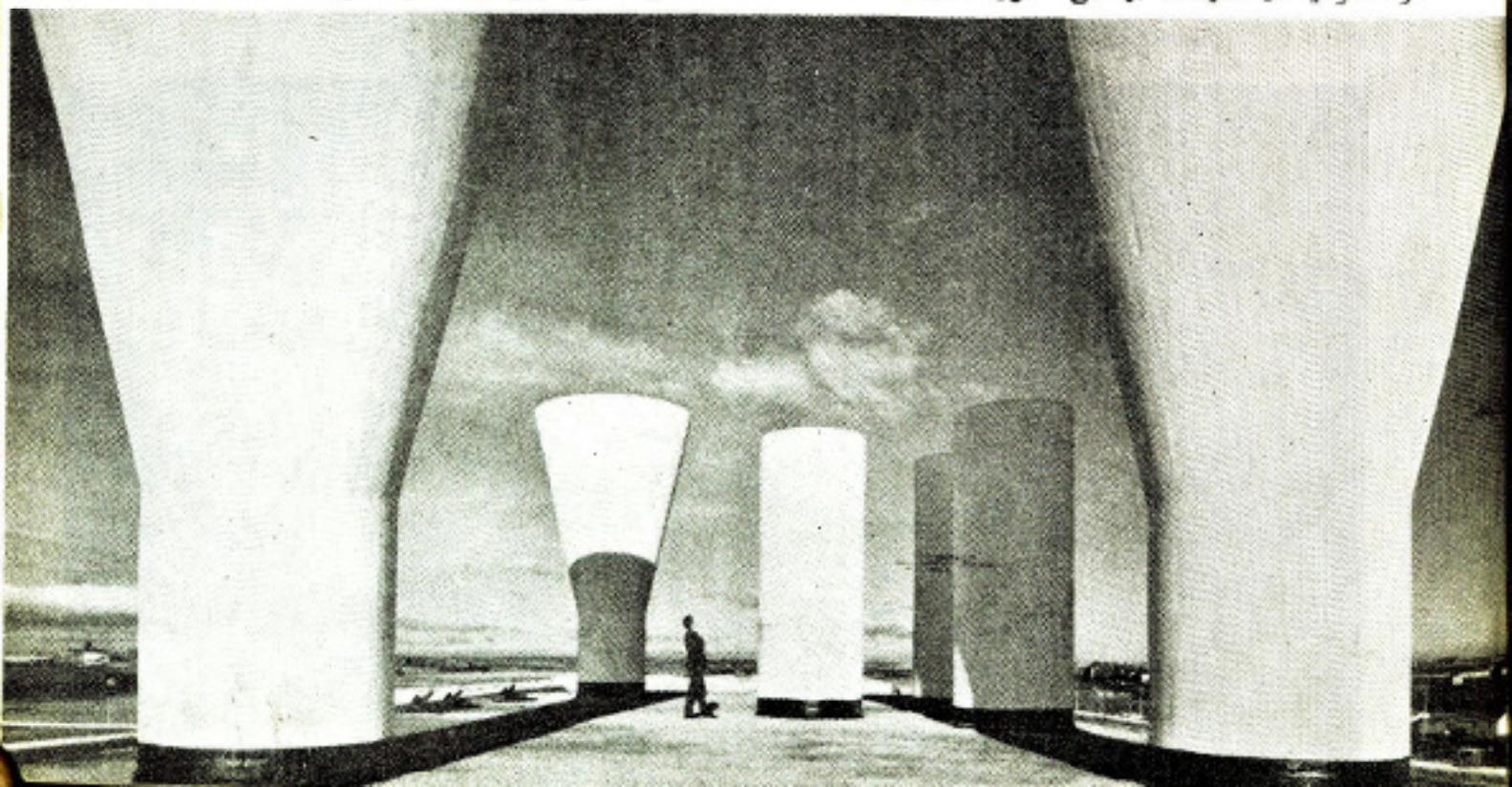
ساخته ای بخش هورمون شناسی فرانسه آرشیتکت « روزه ندون شل »





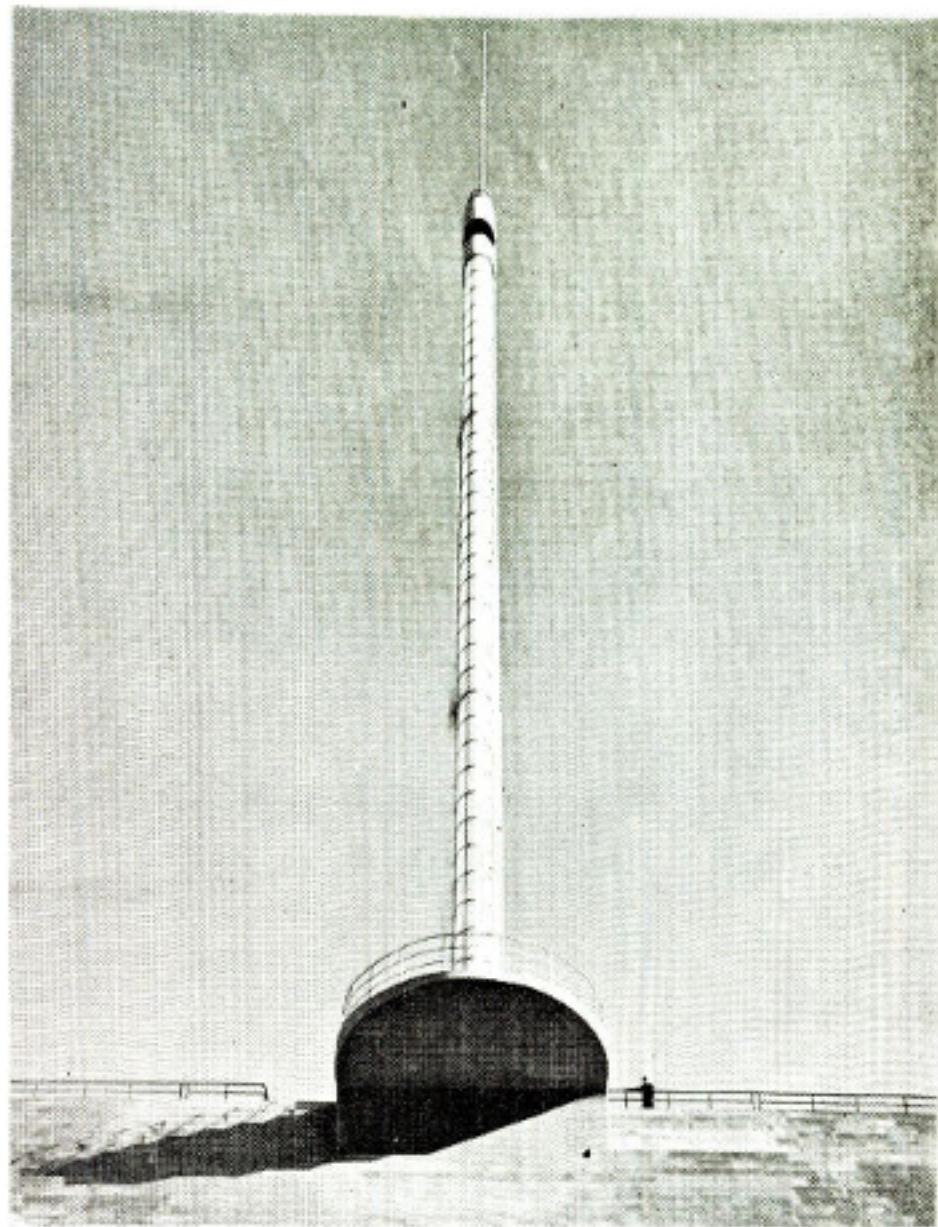
کارخانه لوله‌سازی در «کلیک ورن» انگلستان.

غرفه استرالیا در نمایشگاه جهانی اوواکا ۱۹۷۰

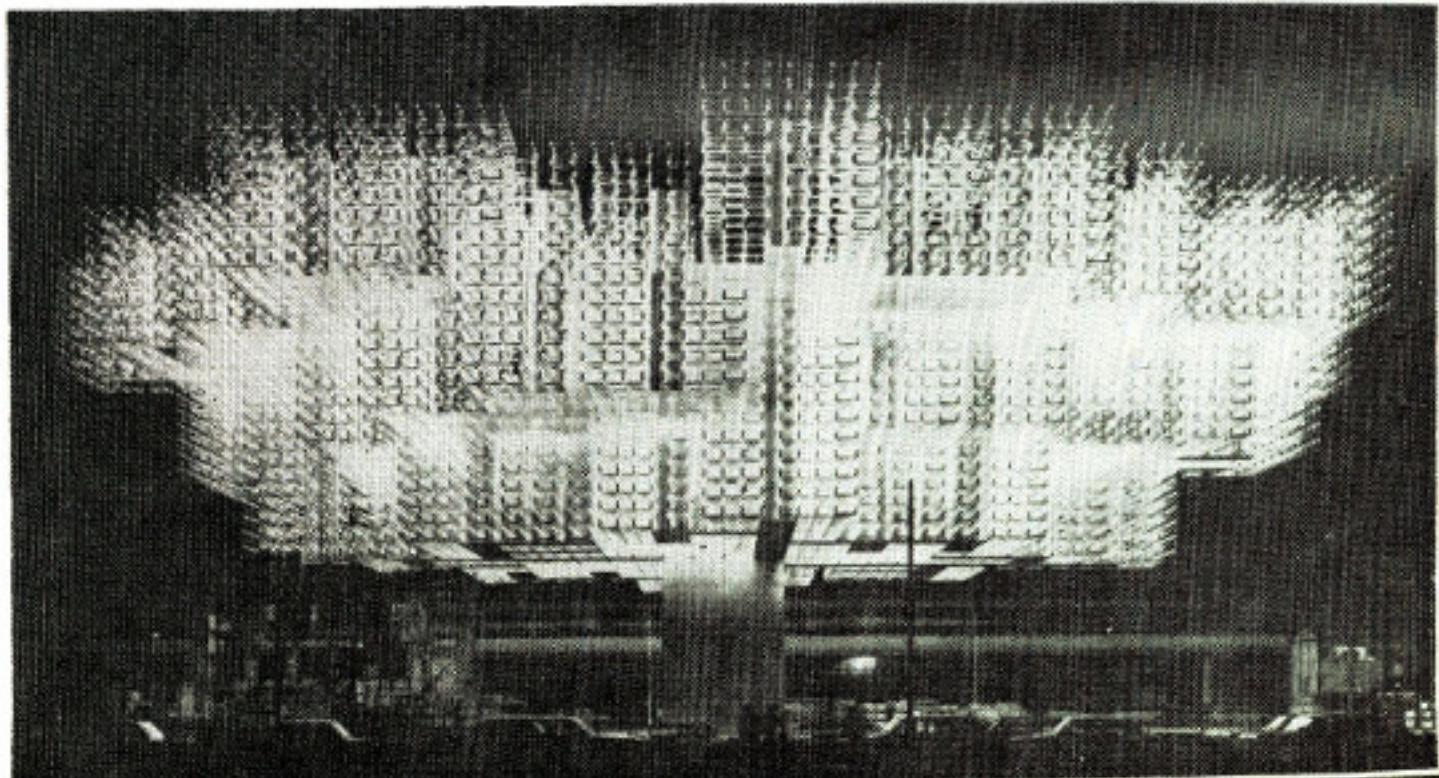




دو نمونه از دو بنای یاد بود . یکی  
به ارتفاع ۹۴ متر و دیگری یک متر و هشتاد.  
هر دو بنادر ایتالیا ساخته شده‌اند ، ارشیتکت  
بنای اولی « فروی » است .



شکل زیر - غرفه سویس در نمایشگاه جهانی اوزاکا ۱۹۷۰



اختصاصات محلی دارد خود بخود ظاهر نشده است.

اولین ایده‌های تورا معماران جوان را پسند نه در اقلیه « لو دور بوزیه » در پاریس نار نزدیک بودند به شورشان برداشت شاید به نظر بر سرده طرح و ساختمان امپریال هتل توپیو بوسیله رایت ( ۱۹۲۲ - ۱۹۲۷ ) پهنه‌بندی جدید لام کرد و این ایده است ولی امپریال هتل پیش از آن نه چنین باشد مقداری از « اسلام » و روشهای چینی را وارد زبان کرد . با وجود این که این بنا در زلزله سال ۱۹۴۳ بطرز معجزه اساقی سالم باقی مانده نتوانست برای یک جنبش سریع به اندازه نافی تأثیر بکذارد . کلید فردیکی روحیه شرقی و عربی در معماری جدید زبان در نست معماران جوان را پسند نهاده است که با توپیو « ماکاؤ » و « ساتانورا » و دیگران است که با توپیو بوزیه نار نزدیک بودند . در اقلیه لوکور بوزیه انان انجه میخواستند باقی باشند .

غالباً تمایل مجسمه‌سازی نو را بدست معماری و تمایل معماری را بدست مجسمه در برخورد با اثار جدید حس میکنیم . استقبال معماران سراسر دنیا از بناهای مثل تایسای « رون شامب » یا سالن فنتیوال توپیو تمایل معماران را بدست هنرهای پالستین و مجسمه‌سازی بخصوص تائید میکند .

شاید در شروع جنبش جدید نقاشی بر معماری پیش‌تند بود ولی امروز مجسمه‌سازی است که بسوی پایه‌های معماری جلو میرود . راز کار توکور بوزیه در این است که او او علاوه بر معمار - نقاش و مجسمه‌ساز هم بود . معدانک یک معمار متوسط امروز بذریت میتواند کارش را از نقطه نظر فنا بگوید مجسمه‌ساز مورد توجه قرار دهد . اید این است که در آینده معمار و هنرمند از اینها با هم کار کنند تا یک بنا از هر جهت رضایت چشم را ناچین کند .

برای آنکه آسان‌تر درک کنیم که در معماری امروز دنیا چه میگذرد باید به معماری از دریچه کلی ، نه فقط معماری جدید نگاه کنیم . بطور خلاصه سه مرحله را میتوود در توسعه معماری مشخص کرد . مرحله اول شامل نخستین برك و رداد است از فنا است . در این مرحله فنا را بجهه حجم‌های بزرگ با یکدیگر بوجود

می‌ورد ، معماری قدیم مصر - سومر و بونان از این نوع است - در مرحله دوم - توجه معماران بعضاً داخل ملعوف میشود . عبارت عنده کوئلکی‌های متعدد مثل شیوه‌ها « روهانک » و « بیزانس » و گوتیک و باز و آن دوره فاصله زمانی بین ساختان پاکشون رم تا آخر فرن هیجدهم را شامل میشود . فرن نوزدهم در اینجا موقعیت مخصوص ، به خود دارد درک بعدی از فنا برایه افتخار در ابتدای فرن بیست استوار است و اثر آن را در معماری و شهرسازی امروز میتوانیم بینیم . تردیدی نیست که عوامل زیادی و مهم‌تر از همه بیدایش‌هایش در بیدایش درک تازه از فنا موثر بوده‌اند . ما هنوز در ابتدای چنیش معماری فرن حاضر هستیم ولی خطوط اصلی رسم شده است گرچه میتوان انتظار تغییر شکل‌های متعددی را داشت .

یوجین راسکین در کتاب گفتگویی درباره معماری میگوید . بسیار شنیده‌ام که معماران وقتی کار تازه‌ای را شروع میکنند میگویند « این بار میخواهم چیزی احیل بیافرینم » من نیز خود چنین گفته‌ام و شما هم اگر معمار پاشید یا بطور کلی در یکی از امور خلاقه کار کنید این سخن را گفته‌اید . ولی من هنوز هیچ امثال واقعی در کاری نه اینهونه اغاز شده است ندیده‌ام .

اگر فرد بتواند بذات یکنائی خود دست یابد تیجه بطور قطع باید چیزی خلاف هستکان باشد . این اختلاف حاصل خلاقيت واقعی است . بسیاری از هنرمندانی که در زمینه‌های خلاقه کار میکنند از حالت خاص سخن میگویند . حالتی مانند « نهی شدن » یا بیرون ریختن « و یا بقول خودشان » چیزی از وجود و درون خود مایه گذاشتن این احساس بهیچوجه قابل مقایسه با خشکی از کارهای روزانه نیست . درختان است ، یک آگاهی غنی است ، از پر شدن که تیجه‌اش خلاقيت است .

ادر اک جامعه امروزی ها باید در تضمیم عاقلاهه و عادل‌انه منافع اجتماعی و بالا بردن سطح زندگی و موجودیت طبقات متوسط و آنوه باشد و در مورد مسکن سعی شود افحال و تخداد فوق العاده مایین مسکن قنی و لوک را با مسکن مسکن از بین برود .

بطوریکه خوانندگان محترم استحضار  
دارند در شماره قبل مجله هنر و معماری مقاله‌ای  
از آقای اتور ظهیر تحت عنوان « گذشته گرانی  
در معماری » بجای رسید .

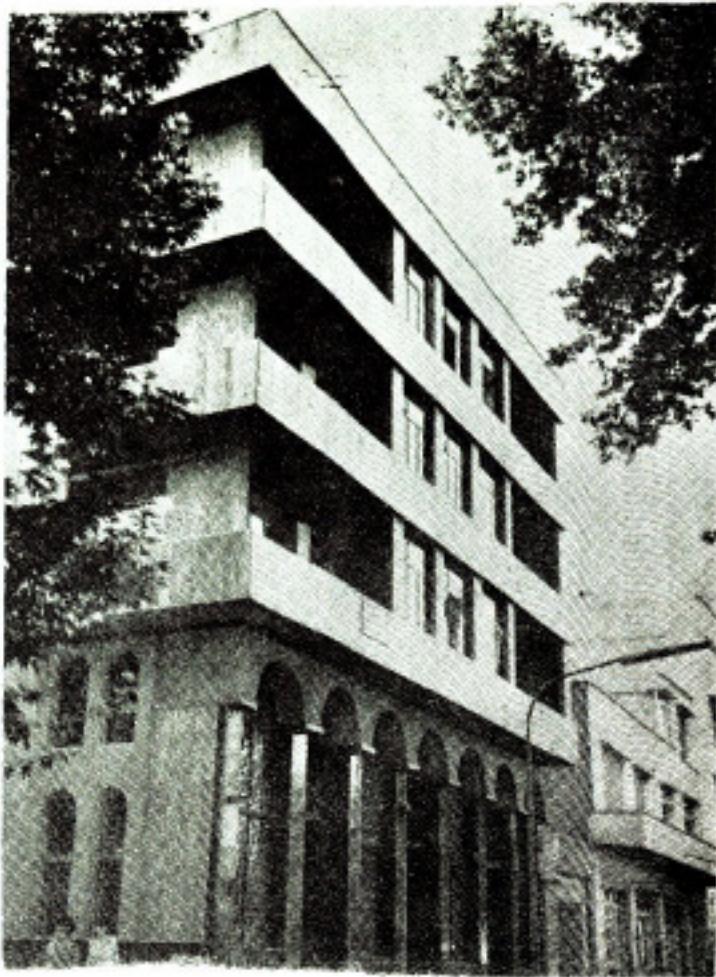
مطالعه مقاله مزبور در خوانندگان  
احساسات مقاومتی برانگیخت که برخی از آنان  
موافق و گروهی دیگر مخالف نظرات ایشان  
بودند .

اکنون یکی از نظرات مخالف را که  
توسط آقای پرویز دیر نوشته شده است در این  
شماره بجای میرسانیم و قضاوت در این دو مقاله  
را بعهده خوانندگان ذیصلاحیت و آگاه خود  
میگذاریم .

تنهای مطلبی که باید قبل از تذکر داده شود  
اینستکه حث و اصلاحاتی که در مقالات میشود  
تنهای در زمینه ساده توصیه و دستور زیان است  
له در اصلاحات فنی و علمی چه همانطور که  
در صفحه اول مجله همواره بجای میرسد  
« مقالات مندرج در مجله عناید تویسندگان  
است » .

هیئت تحریریه محترم، چون در شماره  
۸ مجله هنر و معماری تحت عنوان گذشته  
گرانی مطالبی را درج فرموده بودند لازم  
دیدم مطالبی را بشرح زیر منتذر کردم .  
قبل از هر چیز ارزو دارم که نوشته  
ها در آن مجله بدون حب و بغض چاپ شود  
و دوستان سعی نفرمایند با پکار بردن جملاتی  
که در هنر معماری معمول نیست سعی نمایند  
فعالیت دیگران را تخطه نمایند فی المثل در  
مقاله گذشته گرانی تویسنده سعی نموده که  
بعای کلمه استرلیزه از کلمه کاریکاتور که  
در معماری معمول نیست استفاده نماید در  
حالیکه استرلیزه کردن در معماری بطور اعم  
هنریست که بعضی از معماران جرأت پی کنند  
آن را نداشته و عندهای هم بطور کلی با  
استرلیزه کردن سبیل های معماری موافق  
نیستند . برای عده اخیر الذکر توضیحات عرض  
میشود که اجرای طرحهای که از معماری قبل  
از اسلام یا بعداز اسلام الهام خوانند گرفت  
با رعایت کلیه اصول معماری پرای امروز  
چندان ضرور نیست و علاوه بر آن کاریست  
بس مشکل و بجرأت میتوان گفت با سرمایه  
های بخش خصوصی کاریست محل ، وضع  
اقتصادی مردم و علاقه به پهلوه برداری هر چه  
زودتر از سرمایه ها، کم بود کار گر متخصص  
و در نتیجه گرانی اجزاء مشکله ، عده و  
همه موافقی هستند که اجراء و اتمام کار را





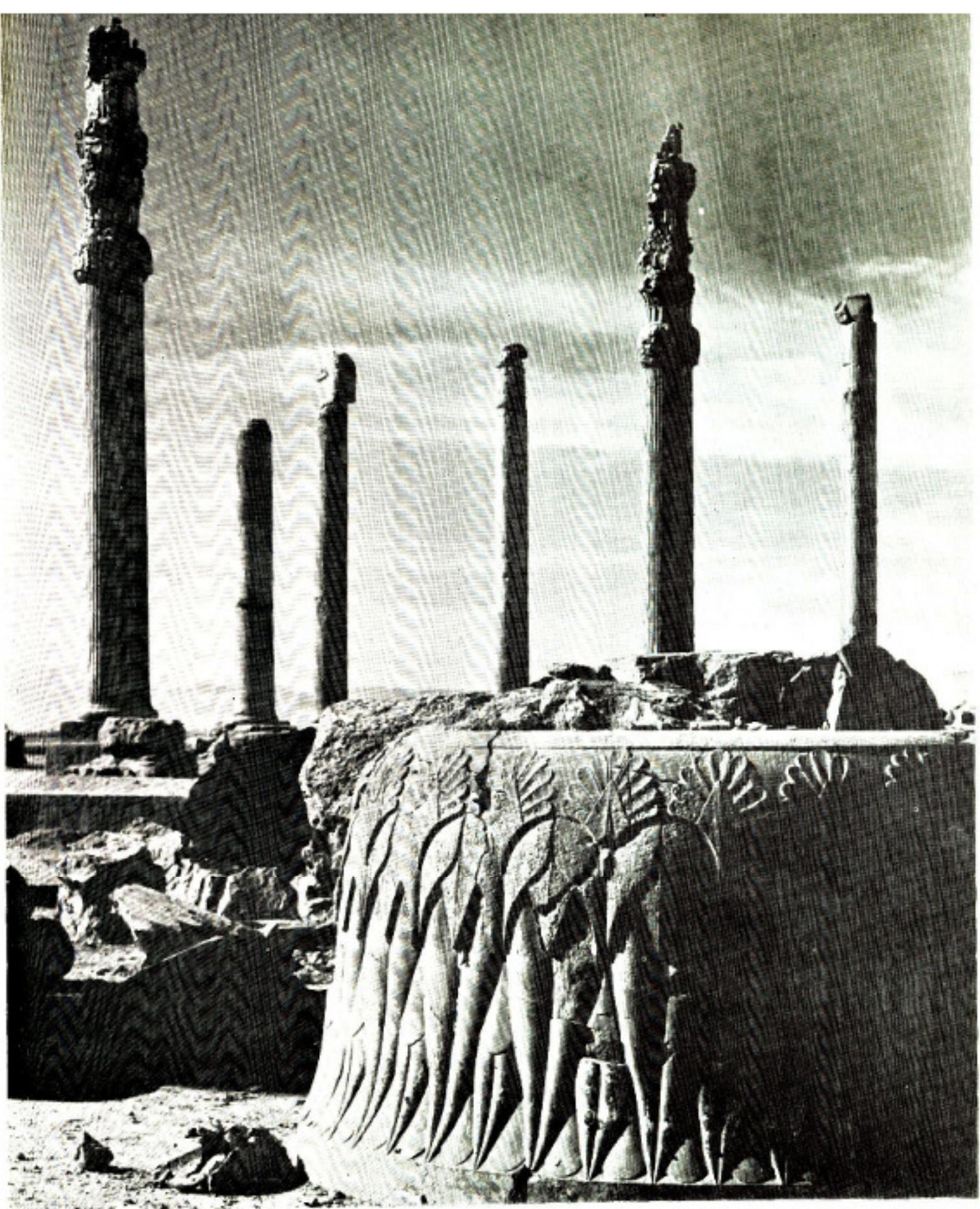
مسجد - کلیا ها - مونومانهای ملی و از این قبیل است.

سخن را کوتاه کرده و بجزات میگوییم این قبیل باشد. بدینی است چنین طرحی که با چنان مصالحی اجرا شود هرچند که صحیح باشد جوابگوی زندگی امروزی نیست. در حال حاضر حجاری - گچ بریها و کاشیکاری ها و پطور کلی یاک مجموعه معماری ملی علاوه بر آنکه شرورتی ندارد در اکثر اوقات جوابگوی نیازمندیهای روز را نیز تenuisید و باید اذعان نمود معمارانیکه به پیروی از منیات شاهنشاه آریامهر و شهبانوی گرامی علاقمند به احیای هنر و معماری ملی هستند همواره میکوشند که با تلقیق معماری مدرن و معماری ملی قدمهای هشتاد پیش از این را این قبیل باشد باشد شاید ماحصل همین آیندگان.

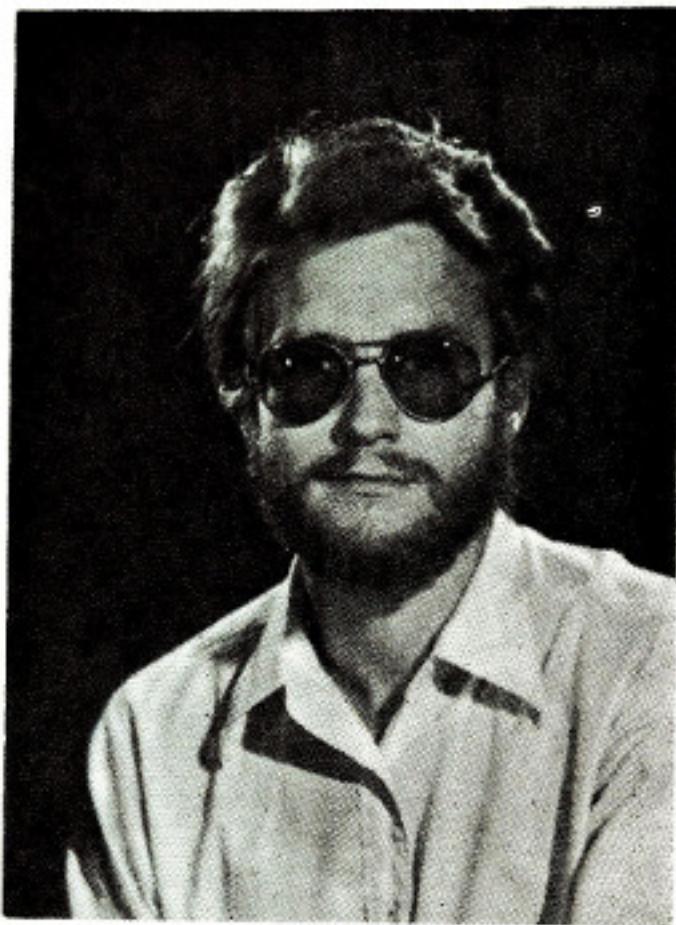
دارای پیروی - اندرونی - حوضخانه - غلام کردش - هشت و بالآخره طوله و از این قبیل باشد. بدینی است چنین طرحی که با چنان مصالحی اجرا شود هرچند که صحیح باشد جوابگوی زندگی امروزی نیست. در حال حاضر حجاری - گچ بریها و کاشیکاری ها و پطور کلی یاک مجموعه معماری ملی علاوه بر آنکه شرورتی ندارد در اکثر اوقات جوابگوی نیازمندیهای روز را نیز تenuisید و باید اذعان نمود معمارانیکه به پیروی از منیات شاهنشاه آریامهر و شهبانوی گرامی علاقمند به احیای هنر و معماری ملی هستند همواره میکوشند که با تلقیق معماری مدرن و معماری ملی قدمهای هشتاد پیش از این را این قبیل باشد باشد شاید ماحصل همین آیندگان.

با مشکلات توأم نموده که از حوصله مده کثیری از صاحبکاران دور است و از ملرعی ارضاء غرور ملی موجب میشود لئه مدن اجرای طرحهای مدرن برای زندگی در این فرن از هنر های ملی که در معماری بصورت گنجینهای نهفته است استفاده نمود.

افکالات فوق الذکر و رعایت حفظ سن و آثار باستان باعث میگردد که تلقیقی از معماری باستان و معماری توپی وجود آید و هدف و منظور معمار افیسکه از روشهای گذشته برای نشان دادن طرحهای خود استفاده می تواند اطاعت کورکورانه از معماری گذشته نیست، بلکه هدف اجرای برنامه های صحیح معماری مدرن است با استفاده از سولهای معماری و رعایت تناسبات صحیح عصر باستان می باشد، تویسنده در مقابله مورد بحث اظهار تلف نموده که در قرن ییتم ساختمانهایی با طرحهای مدرن و مصالح جدید ساخته می شود که با نسب در و پیوندهای قوی شکل بصورت دکورهای در خیابانها بچشم میخورند درست است امروز کم و پیش در هر خیابان و کوی و بزرگ ساختهای دیده میشود که سازندگان آنها برآسان رعایت زمان و مکان هریک بنحوی در راه تلقیق معماری امروز و دیروز قدم پرداشته اند و مسلم است که در این راه متشکل ممکن است بعضی ها هم دچار اشتباهاتی شده باشند ولی ادامه آن بهر صورت که باشد قدمی است که در روحیه صاحبکاران موثر بوده و مقدمه ای است برای اجرای برنامه های وسیع تر و صحیح تر، ولی آنچه که پیش از همه باید رعایت شود و این دسته از معماران هم کم و پیش دنبال میکنند احیای هنر معماریست نه تکرار قوسها - هنر در هر زمان باید با پیشرفت زمان هم آهنگ داشته باشد پس قوسها خبریها - حجارهای گچ بریها - کاشیکاریها و تزئینات بایستی هم زمان با وضع زندگی مردم امروز طرح ریزی شود و تکنیک زندگی ماشینی کاملا در آن ملعوظ باشد و در حقیقت معماری ایرانی را میتوان در این چهله خلاصه نمود (رعایت و حفظ سن معماری با توجه زندگی امروزی و استفاده از مصالح قابل قبول دنیای مترقبی) شاید انتظار تویسنده غریز بدانگونه بوده که بچای مصالح جدید از خشت و گل و چوب استفاده شده و بچای طرحهای مدرن مثلا خانه ای ساخته شود که

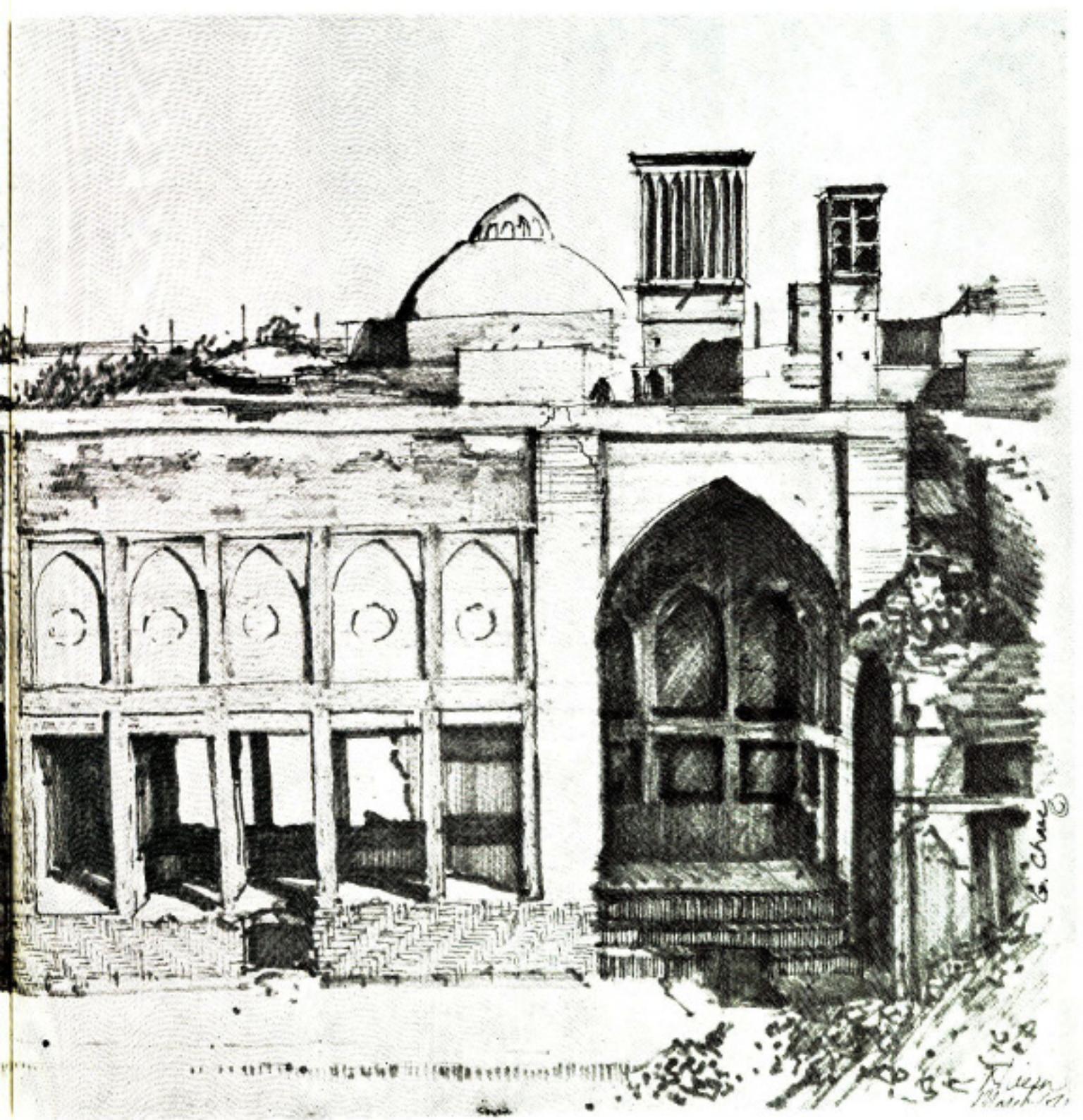


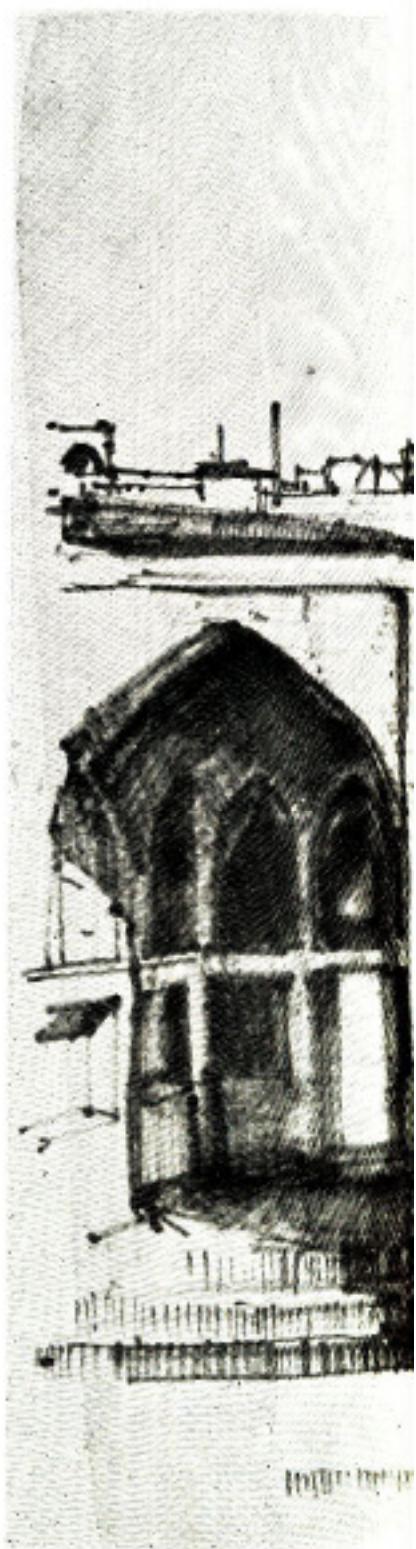
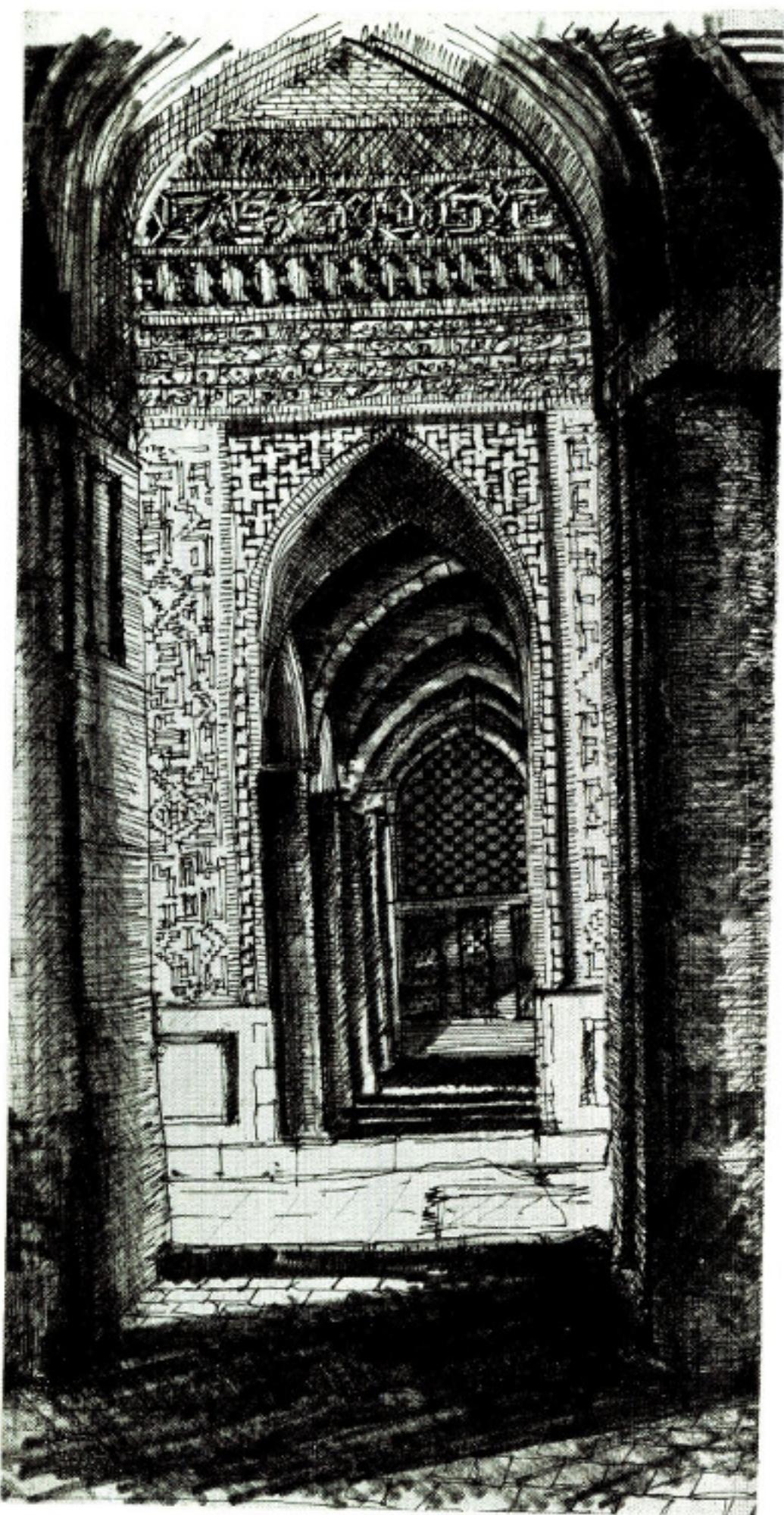
بار دیگر ، پس از گذشت ۳۵۰۰ سال ، تخت جمشید دیدارگاه بزرگان جهان است

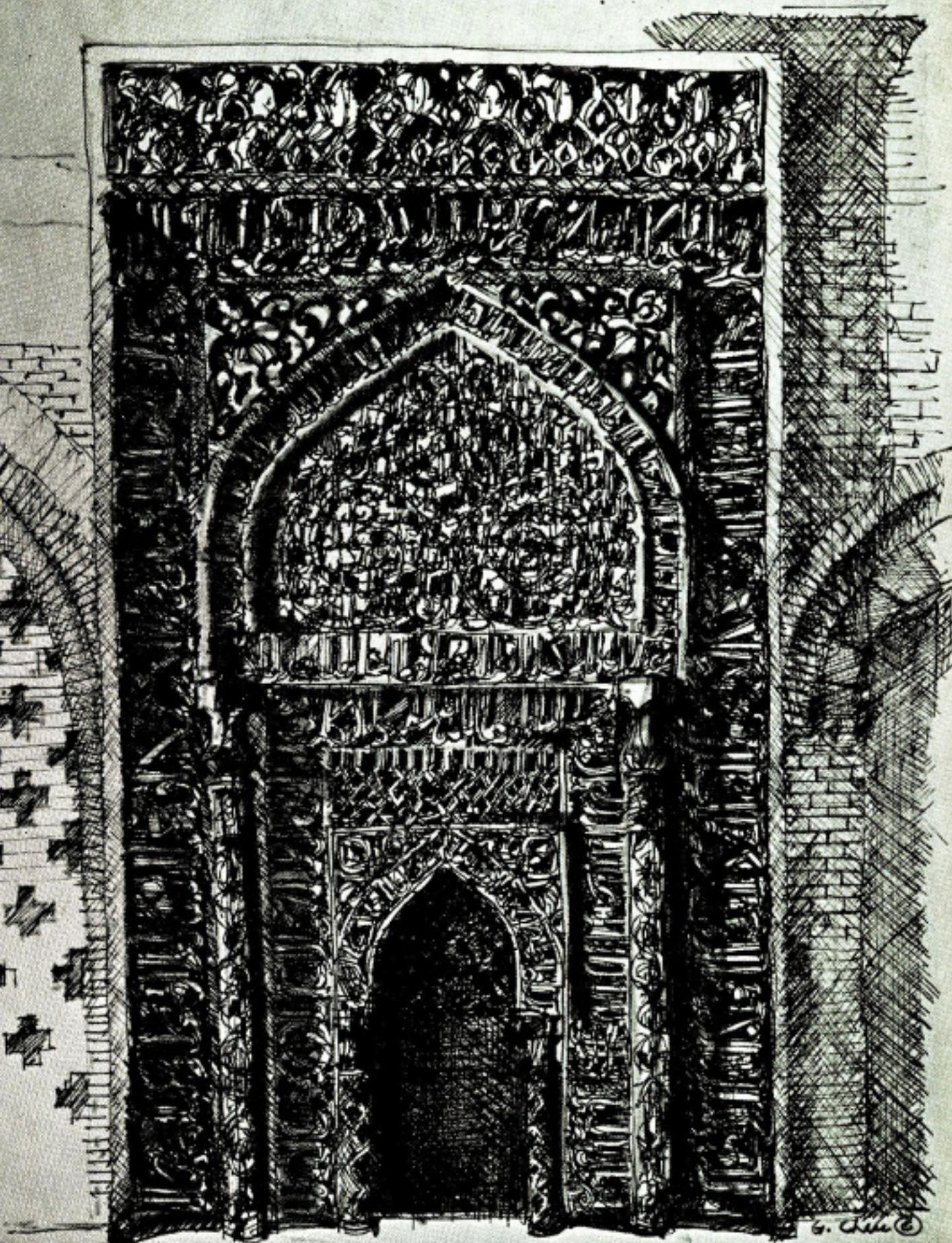


## چند کرسی از «گویگاری چیز» آرشیتکت امریکائی Gregory Chase

به سال ۱۹۴۷ در واشینگتن متولد شد  
از دانشکده هنر های زیبای همان شهر  
فارغ التحصیل رشته معماری گردید.  
در حدود یک سال و نیم در ایران به  
نقاش و سیاحت پرداخت.  
مجله هنر و معماری برای آشنایی  
خوانندگان محترم خود چند نمونه از آثار  
آن ارشیتکت جوان ایران دوست را در  
صفحات بعد معرفی می کند.

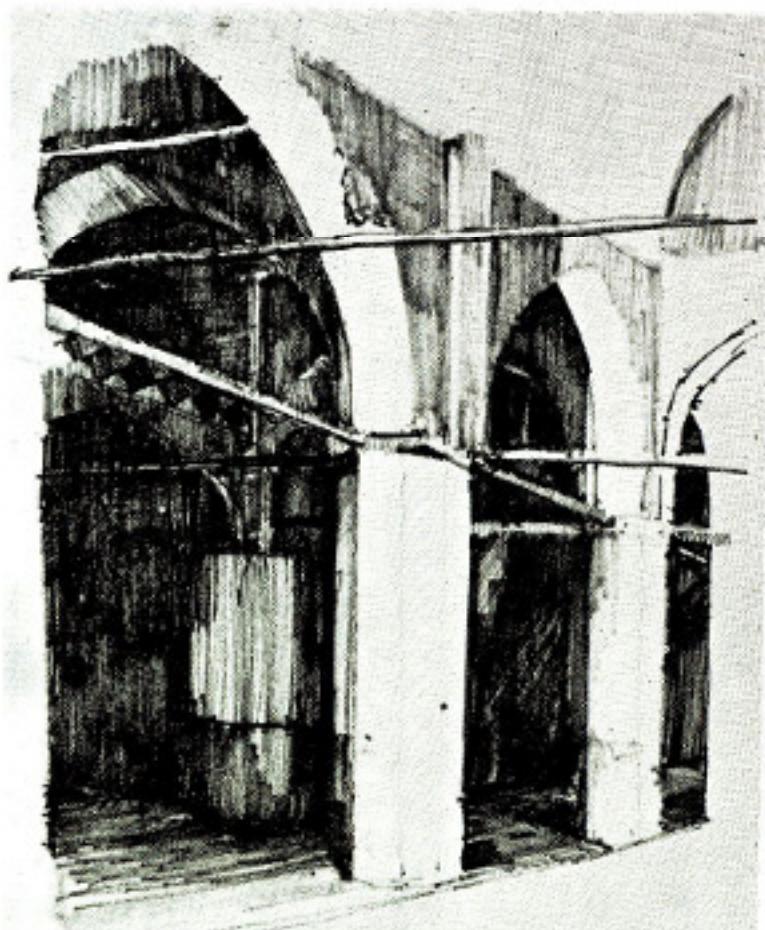




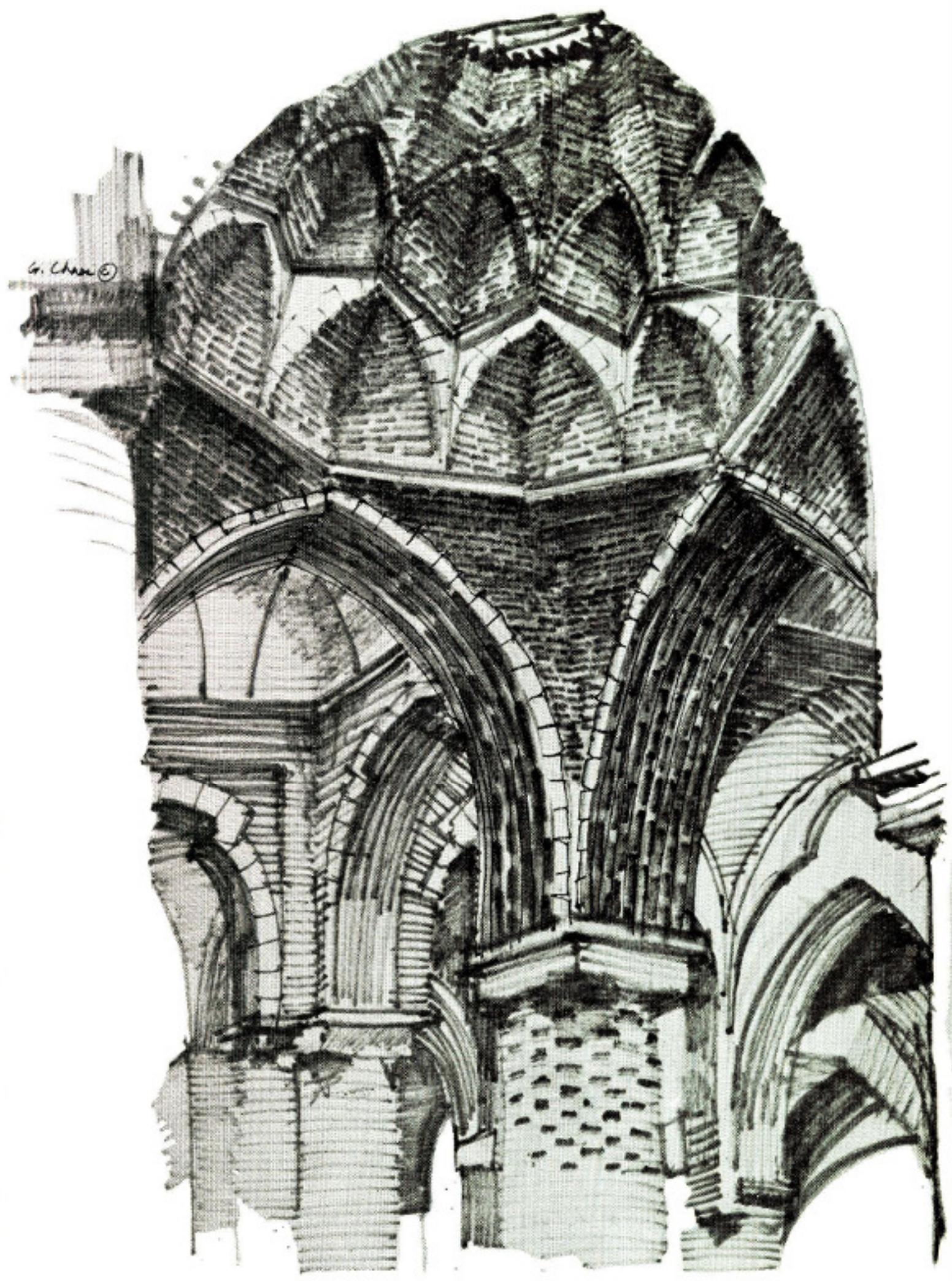


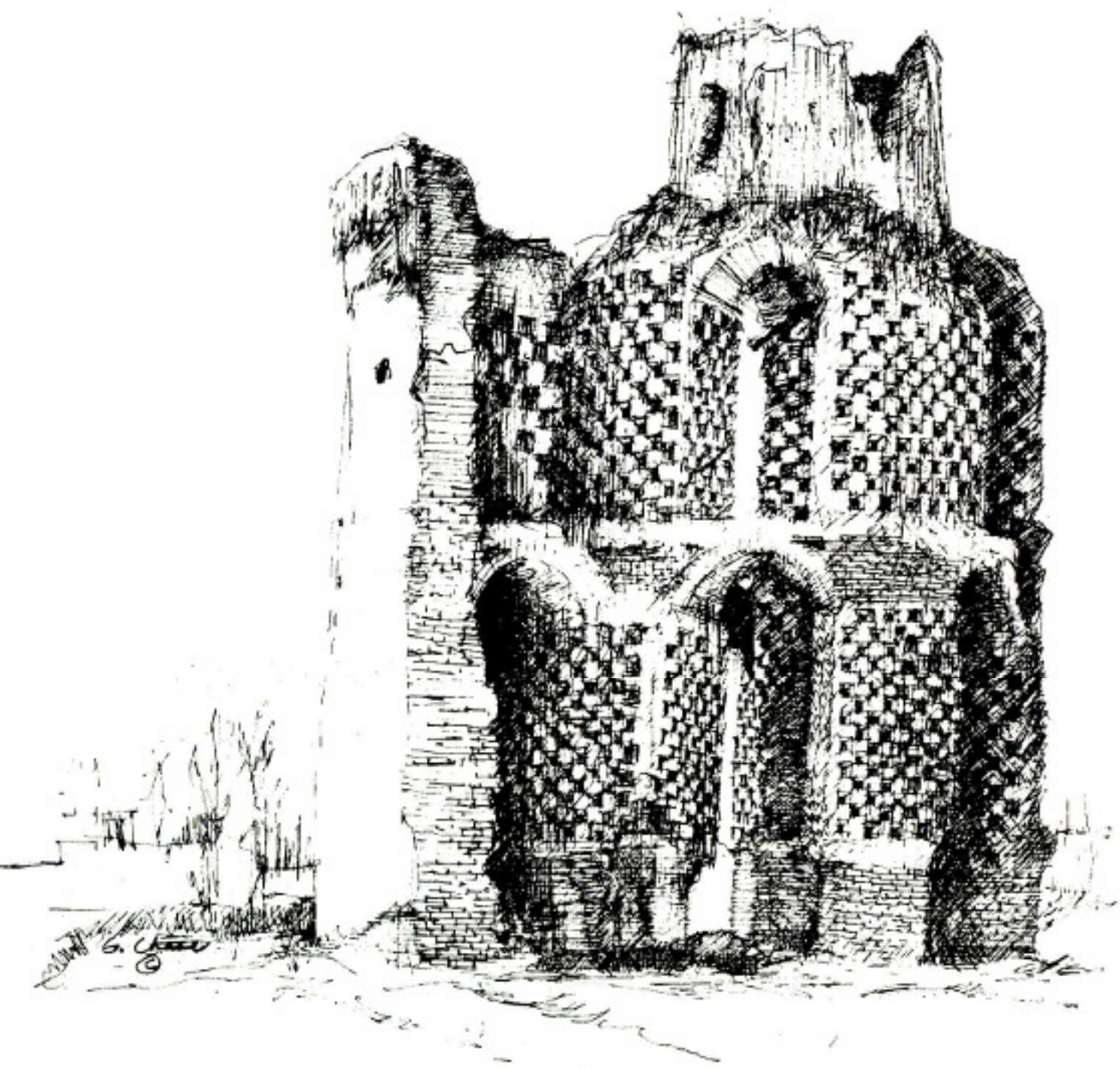
S. Alm

Mojed Jané  
Nov 2 17.



Nain  
Feb 9 77  
S. Chase (S)







## هنر و معماری با کوارنی آرشیتکت ایتالیائی در نخستین کنگره معماری جهان

بتواند این قدرت را داشته باشد که فکر های زیباتری از تکنولوژی و جامعه شناسی و غیره را که بین آنها فضایی وجود دارد بهم متصل نماید تا بتواند شهر قازمای اختراع کند.

در مورد سنت، فکر میکنم در مجموعه لغات و یا در معماری بتوان سنت را تعریف کرد اما تعریف‌انی که در این زمینه هستند کامل نیستند و یا بکامل فرسیده‌اند که بطور موجز و دقیق میین آن باشند.

بعضی از اهالی غرب از کثور های مختلف تصور میکنند که سنت فرم گذشته است و بعضی از آمریکائی ها فکر میکنند که سنت چیزی است که الان موجود است و جریان دارد. شاید هم بتوان گفت که سنت آن چیزی است که عوض میشود تغییر و تبدیل پیدا میکند.

و شاید هم در آینده سنت بزرگتری

پیدا شود آید.

البته خیلی مشکل است که یک معمار

بوجود آید.

باید تمام سیاست شهر سازی را بر اساس ایجاد جاده های جدید قرار داد بلکه مهم اینستکه بدانیم که یک شهر عبارت از مجموعه واحدی است که مانند یک یافت از کوچه ها، منازل، خیابانها و جاذه ها باید منطبق با وضع شهرها ساخته شود و مدل شهر ها هم همان مدل گذشته باشد.

ساختن خیابانهای جدید و خانه هایی که در اطراف خیابان بنا میشود اولین قدم برای شهر سازی است و این کافی نیست که برای شروع خیابان فقط بداند که شهر در آینده چگونه خواهد بود این یک ایده هیجانی است بین یک ایده تکنولوژی و یک ایده معماری مسلم است که با تکنولوژی میتوان معماری را بوجود آورد اما این کافی نیست تکنولوژی را باید در دست معمار رام شود تا به معماری فرم بدهد.

و شاید هم در آینده سنت بزرگتری

پیدا شود آید.

این سومین باری است که در عرض پنج سال گذشته پنهان میآیم و علاقه‌ای که به معماری ایران دارم خیلی زیاد است. در زمان جنگ مدت ۵ سال پتوان یک زندانی جنگی در هندوستان محبوس بودم. واژ همانجا تحقیق در مورد معماری اسلامی و خاور میانه را شروع کردم و در آینین علاقمند بمعماری ایران و ترکیه بیش از همه بود و فکر می‌کنم که در ایران میتوان شهر های نمونه‌ای را پیدا کرد که در اروپا یافت نمیشود.

اصفهان، کاشان، یزد، فارس، .... شهر های از این قبیل هستند که چگونگی زندگی انسانی و نتیجه اتفاقاتی را که چیزی مناسب با زندگی مردم و احتیاجات و سیاست و دستگاه حاکم را انسان میدهد و با وجود ایجاد خانه های جدید که بزرگتر نامناسب احداث میشوند هنوز دست تخرورده و بکر باقی مانده‌اند. من تصور میکنم که در ایران

# دهکده های زیر آفتاب

نوشته: مایرون گلدفیگر

آینالیا - خانه های سکی کندوئی شکل در دهکده آلبورزو.

ترجمه: مریم علی پور



## معماری نواحی اطراف مدیترانه

علاقه‌مندی که مایرون کلد فینکر کتاب دعکد دهای زیر افتاب را در نتیجه بحریر در می‌بازد مدت ۲ سال بعد مدعی مدیر اندی را مورد مطالعه قرار داد و عجشهای جالبی از این نواحی تهیه شده بود در این کتاب لند فینکر ۲۵ دهکده از یونان، آسپانیا، ایتالیا، فرانس، مراش و نووس را به معرفی می‌کند.

سازمان هنر های امریکا در شهر نیویورک نمایشگاهی از عکسهای کرفته شده توسعه ناد فینکر ترتیب داد.

سالها پس در اثر احتیاج سعی داشته است مأوى و مسكن خود را بمعوری محکم و استوار و در عین حال ساده و زیبا فراهم ساخت. اما با وجود تفاوت های زیادی ده در مورد احتیاجات خانه سازی وجود دارد. صرف نیاید مساله داشتن مسکن مورد نظر پاشد بلکه باید رابطه خود را با افتاب، باد، باران، زمین و همچنین خواسته های ما از جامعه و پدست اوردن اصول و روش هایی نه پس سالها خود را در پناه آن بخوبی حفظ کنندیز مورد نظر قرار گیرد.

در میان تحقیقاتی که در مورد معماری کذش بعمل آمده در میباشد که عوامل اصلی پیشرفت معماری بهتر ساختهای ساختمانی های شهری است.

امروزه با دو مساله بزرگ روی روی می شویم که اول مساله فقدان اصول و مقررات و هستگی لازم و کافی در مورد مسائل و ترکیب های جدا شده است و دوم اینکه با وجود توسعه ساختهای مسکونی پیشمار که بدون درنظر گرفتن عوامل اسایی برای بالابدن سطح زندگی ساخته شده اند بطور کامل اجراء و عوامل ضروری در آنها مورد توجه قرار نگرفته است. این در موقعیت، روابط دوستانه و تربیت را از بین برده، بر روی مقررات اجتماعی ساکنان مجاور اثر گذاشته است و چیزی برای هدفیت و سیستم تربیت جدید باقی نگذارده است.

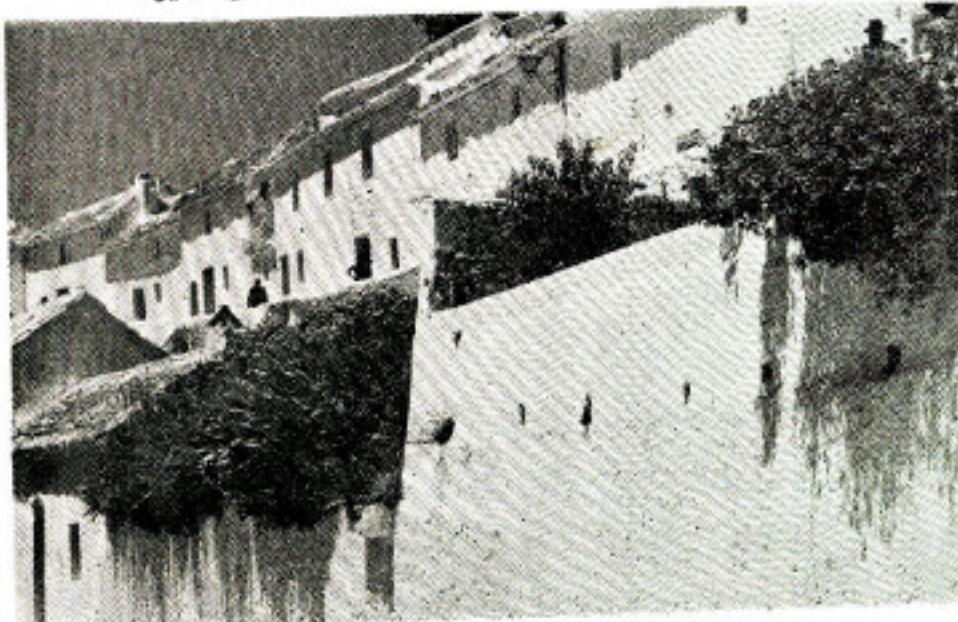
در تحقیقاتمان در مورد توسعه شرائط و موقعیت های خود، دهکده ها و شهر های کوچک سواحل مدیترانه را مورد بررسی و جستجو قرار میدهیم، این دهکده ها و شهر ها از نظر وسعت و موقعیت با دهکده های حومه شهر های ما دارای شباهت هستند. پایه و اساس دهکده های مدیر اندی از نظر ساختهای و همچنین امور اقتصادی آنها شاهتی کامل با ساختهای جامعه های شهری دارند.

در صورتیکه بتوان موقعیت و شکل این جوامع را که توسعه سازند گان باستانی دهکده



عکس هوایی از جنوب اسپانیا

دهکدهای در یونان



های مدیرانهای ساخته شده و با اکاهی کامل، با روابط و احتیاجات اجتماعی مردم امروز مرتبط ساخته بسیاری از سازه‌ها دارد با این مواجه هستیم حل میشود. از آنجا که خواسته ها و احتیاجات مردم رو با فرازیت ساخته ساخته‌اند و سازند تا با سرعت رو به پیشرفت و توسعه بیایند، میتوان به اصل و جوهر دهکده‌های مدیرانهای ده از طریق تقلید یا تغییر های رمانتیک و غیره بلکه از طریق پدست آوردن میزان توسعه اشکال بدون در نظر کردن تکنولوژی پیشرفته و احتیاجات روحانی و جسمانی بشری برگردید.

**تونس**  
درین دهکده‌های تونس کوچکترین ارتباط و همکلی ویژه‌ای وجود ندارد، در شمال که آب و هوای معتدل است دهکده‌ها بتكل خانه‌های آبریومی است که جالبترین آنها دهکده «بربر» از ناحیه «تاپرونا» میباشد که بر زمی جلگه مرتفع قرار دارد، خانه‌های مسکونی آن گنبدی شکل با بامهای سفید و دیوارهای طبیعی و همچنین حیاط هائی است که برای جلوگیری از بادهای شدید ساخته شده، در جنوب که آب و هوای با شمال اختلاف بسیار دارد و هوای بعلت وضعیت احراقی گرم و خشک است، بعضی از دهکده‌ها در نواحی بیابانی خانه‌ها بر دیف و پنربیین قرار گرفته‌اند که امتداد خطوط موافقی در جهت بادهای شدید بیایند، محلی که سنگ پیشتر در دسترس است خانه‌های محکم سنگی گنبدی شکل با ابزار وجود دارد.

که بعضی از خانه‌ها تا ۷ طبقه و بیمار محلم است، این محل (غروفا) نامیده میشود، بسیاری از دهکده‌ها واقع در بر تکاء های صخره‌ای در محل (مامانا) قرار گرفته‌اند سا ننان، زعین قرم را کاملاً بصورت صخره‌های بزرگ کنده و در آنها زندگی ناملا عار نشیونی مخصوصی را دارند.

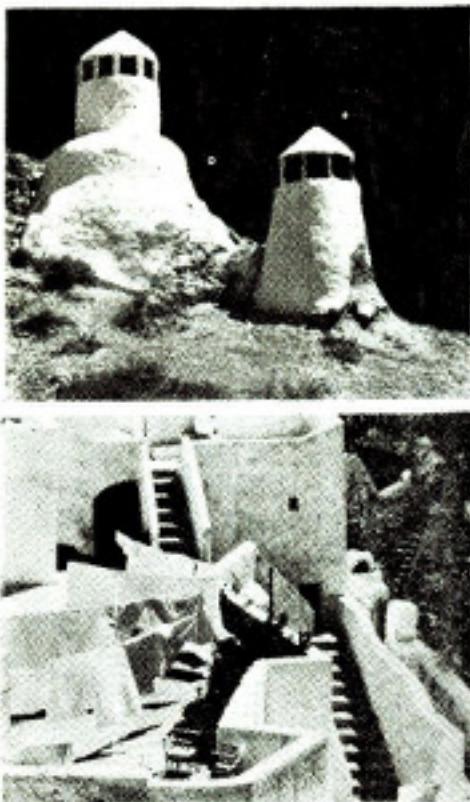
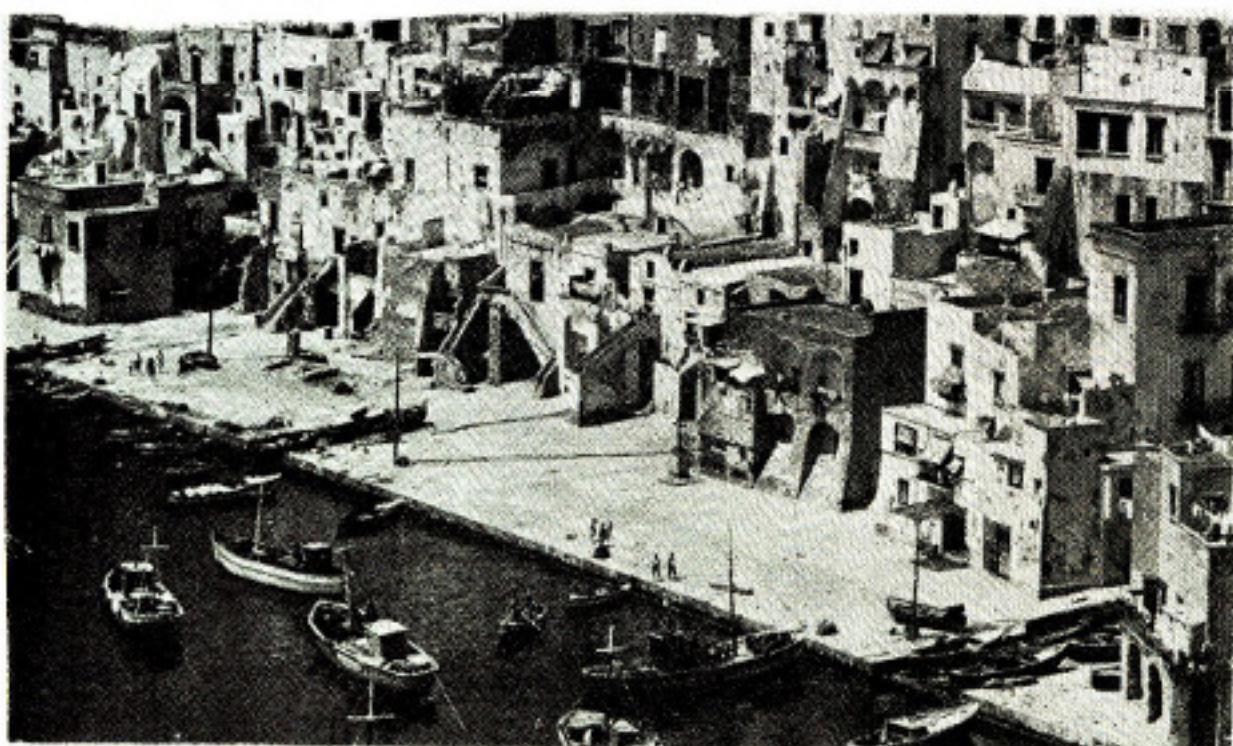
**کرس**  
شهر «بوناپیو» در «کرس» بر روی صخره‌ای عمودی قرار گرفته و ساخته های متعدد آن که بیشتر ب تا ۵ طبقه است در قرار یکدیگر سر با آسمان کشیده‌اند و از لحاظ قرم و شکل با ساخته‌های شهر های تفاوت زیادی ندارند.

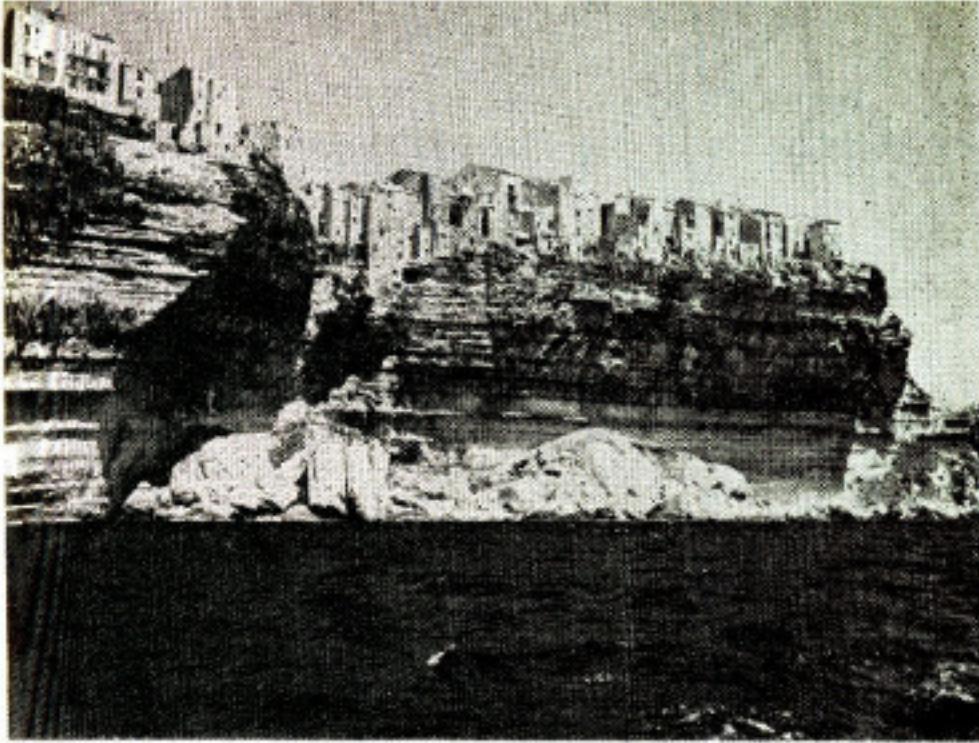
این صخره در پائین دارای صخره های معلق و در بالا بصورت طبقه های تیز افقی درین صخره های دیگر و ساخته های عمودی شکل میباشد تضاد این سه عنصر سبب بوجود آمدن یک هم‌آهنگی کلی است ولی نسبتوان یابه و اساس ایجاد ساخته را توجیه کرده، اسپانیا

اجتماعات اندولس در جنوب اسپانیا بصورت واحدی در آمدند که دارای آب و هوای معمولی هستند و عوامل معرفت الارضی در شکل و انساس و تکنیک ساخته های آن اثر گذاشته است، در این مخلاف محلی سبب شده است که شکل دهکده ها با یکدیگر تفاوت بوده و همچنین از نظر نوع ساخته فیزی با یکدیگر فرق داشته باشند، خانه های محکم سنگی گنبدی شکل با ابزار وجود دارد

نورگیر وراء پلهای در مراکش

### کاپری ساحل طلائی ایتالیا





### دهکده‌ای در کرس که بروی صخره عظیمی در ساحل مدیترانه بنا شده است

سنگی همراه با درختان زیتون و بادامچه میخورد که ناحیه‌ای با اساس و ساختمانهای تمام سنگی را بنام « ترولی » بوجود آورده است. اشکال مخروطی خانه‌های آن روزگار

پیشین سنگی را بخارط می‌آورد. این ساختمانها که در دورنمای زیبائی بصورت گردیدهای جدا از هم قرار دارند در تشکیل یک دهکده کامل و واقعی را میدهند.

هزاران خانه رعیتی که از ۳۰ تا ۴۰ واحد تشکیل می‌شوند با درختهای بادام و زیتون در این ناحیه قرار دارد. در خانه‌های وسیع « ترولی » ناحیه‌ناحیه پیش‌رفت های قابل توجیه همراه با تغییرات در اندازه سقفهای گنبدی شکل خانه‌ها و دکر گوئی در تراش تورتفتگی های دیوارهای مطلع دیده مشود حیاط‌های کوچک بین خانه‌های مسکونی فضای نسبتاً وسیع را بوجود می‌آورند و پسلکان در کنار دیوارها قرار دارد. دهکده‌های ساحلی ترولی تا پل توسط

ماهیگیران بوجود آمده است و خانه‌های آنها در یک سرایی می‌باشد که بطرف رودخانه می‌رود ساخته شده است. در کنار ساحل ساختمانهای ۵ طبقه وجود دارد که این امکان را به ماهیگیران میدهد تا شرایط و موقعیت دریارامشده کنند. پندر « کاری‌سلا » یک دهکده کوچک ماهیگیری در ناحیه آتش

فشاری « پروسیدا » است که در سرایی تندی قرار دارد. خانه‌های این ناحیه توسط اشکله سنگی طوبیلی که برای جلوگیری از طوفانهای دریا ساخته شده است محافظت می‌شود. این اشکله هم برای ماهیگیران مفید است و هم گردشگاهی است برای تسام اهالی دهکده.

را از یکدیگر جدا می‌سازد، کلیایی بزرگ هم درست شده که برای محوطه آن از حیاط های بزرگ خانه استفاده شده است.

راکش میتوان گفت که اساس معماري مدیترانه‌ای در اروپا از خانه‌های رعیتی مکعب شکل و دعکده هایی که در محوطه‌ای وسیع بر جنوب و مرکز مرکز اشکله قرار دارند

شکل گرفته است. در این ناحیه آب و هوا و وضع جغرافیائی سبب بوجود آمدن اختلاف در شکل ساختمانهای دهکده شده است.

در غرب دهکده « دادس » در جنوب مرکز واحد های « تریپیر » قرار دارد. این خانه‌ها که رنگ قرمز زمینهای مطلع، روی دیوار آنها منعکس می‌شود در میان جنگلهای از نخل و مزارع سر سبز و حاصل خیز احاطه شده‌اند، ساختمانهای آن دارای اشکال هندسی متقطع و فرم‌های هندسی

زیبا و از هر جهت غنی می‌باشند. گرچه شکل و ظاهر ساختمانهای این دهکده ممکن است با یک پارک یا چمن کنار دیوار خانه‌ها در شهر های « هورن » مقایسه شود اما باید گفت که میان این و آن فرق بسیار زیاد وجود دارد و همانگی فیزیو-

لوژیکی این محل بر اثر دلیل‌زیرتر و رضایت پخشتر است، ناحیه مذکور ناحیه ایست حاصل خیز که برای ساکنانش همیشه بر

برکت و آباد بوده است.

**ایتالیا**

معماری مدیترانه‌ای ایتالیائی دارای روحی زنده و سرشار از تنوع است در دره های « ابولیا » دورنمایی از یکنوع معماری

دهکده هر روحی « می‌جاس » بطور موازی بروی نیمای با سرایی تند قرار دارد. خانه‌های مسکونی مطلع بوسیله یک خیابان با اسفلات ابتدائی و پاسرایی تند بهم مرتبط می‌گردد که بطرف یک میدان بزرگ سرایر می‌شود، یعنی دهکده غار نشین « کوادیکس » تریدیکی « گرافادا » که دارای زمین حاصل خیز است و تپه‌های « توکا » که در این منطقه قرار دارد در اثر باد کم کم از میان رفته میدل به تپه‌های کوچک مخروطی با اشکال گوناگون شده است، در این ناحیه قبیله کولیها قسمی از زمین را خفر کرده و بصورت زیر زمینهای برای زندگی حدود ۱۰۰۰۰۰ فقر در آورده‌اند، نکته قابل ملاحظه در این ناحیه ایست که اسکان بطور استادانه راهی را برای رفع اختیاجات پیرون گشوده‌اند، دود کشها که تاک تاک و گبیدی شکل هستند باعث می‌شوند که روشنانی پنهان نفوذ کرده و همچنین از نظر تهیه نیز کماک به مطبوع شدن هوای داخل خانه می‌کنند.

دهکده کوادیکس نشان دهنده چیزی میان هنر و طبیعت بود و نشان میدهد که سازندگان آن سنگرهای ماهری بوده‌اند.

**يونان**

معماری نواحی « آگا » یونان دارای یکنوع صفا و آرامش کلامیک و همچنین نظم و ترتیبی است که آنرا در مقامی والا قرار میدهد.

گرچه از نظر معماری، ساختمانهای ناحیه با یکدیگر تفاوت دارد اما با نقاط دلیلزیر و دور نیاهای زیبا احاطه شده‌اند و این خانه‌های مسکونی سفید و درختان و زمینهای سنگی سیاده‌ای همانگی دلیلزیری است که زیبائی طبیعت را بخوبی نمایان می‌سازد.

سازندگان این ناحیه آنچه را رنگهای زنده و زیبا جالب تر ساخته‌اند، ساختمانهای این ناحیه دارای حالت یکتواخت و بیوسته است.

ناحیه « سکریوس » در « سیارادس » نمونه بارزی از معماری ساختمانهای مکعبی است، هنگامیکه این ساختمانها از ارتفاع زیاد مشاهده شود خانه‌ها بصورت مربع های منظم و جدا از هم دیده می‌شوند که در عین حال دارای حدود معین و بیوستگی کاملی است.

بیشتر خانه‌های که دو طبقه هستند در ناحیه تپه‌ای ساخته شده‌اند و دسترسی را بسطح بالاتر از سطح عمومی همیا می‌سازد، خانه‌ها که معمولاً در یک ردیف منظم قرار دارند دارای حیاط یا محوطه‌ای هستند که پشت ساختمان قرار دارد و همچنین حیاط های کوچکی بین ساختمانها وجود دارد آنها

## ملات یا ملاط

ویراسته: محمد کریم پیرنیا

دسته تقسیم کردند که از جمله آنها زبانهای اریانی و سامی بود که بنظر ایشان کوچترین پیوندی میان این دو دسته وجود نداشت. با پیدایش این نظر کلیه دسته‌بندی‌های درست و تادرست جهان لهن که فرنها مورد مقبول بود مهر افسانه خورد و چنان تخطیه شد که دیگری کسی جرات نداشت مثلا درباره پیوند فارسی اریانی یا عربی یا عبری سامی چیزی بگوید حتی درباره ان اندیشه گند. در صورتیکه پیش از آن ایرانی میگفت که: فریدون سه پسر داشت. ایرج و سلم و نور. ایرج نیای ایرانیان بود تور از آن شرقیان و سلم غربیان. این سه دسته از پیک پدر (کیومرث) بودند و نخست پیک زبان سخن میگفتند کم کم از همه جدا شدند و هرچه این جدائی پیشتر میشد بهمان نسبت زبانشان نیز از هم دور می‌شد.

مردمی که در باخته ایران زمین می‌زیستند براین سه پسر نامهای دیگر جون سام و سام یا « مت » نهاده بودند و نام پدر هم بجای فریدون نوح بود ولی باز هم معتقد بودند که پدر رومیان و عراقیان و غربیان و ایرانیان، سام بوده است و ناچار می‌پذیرفتند که روزگاری زبان هر دسته‌ای برای دسته دیگر ناالشنا نبوده است چه اینها را افانه پذایم و چه تذاقیم یا غور و پرسی پاسما니 آشکار میشود که مثلاً میان یک زبان اریانی مانند فارسی و زبانی سامی چون عربی پیوند و خوشاوندی استواری بوده و هست متنهای فرمولها و اصول جر مجموع جرات غور در این مسئله از جوینده گرفتارند.

هر چند این نوشته قرار بود درباره واژه ملاط بحث گند ولی کم کم حاشیه بر متن فروتنی گرفت تاریباً از اصل موضوع خارج شد. پذیرفت در اینجا بهتر خی از این پیوندها اشاره شود.

میگویند پسوند و پیشوند در زبانهای سامی نیست و این گروه از باهها و اوزان خاصی بجای پیوند و پیشوند استفاده می‌کنند در صورتیکه اگر کلیه کلمات عربی را که با حرف (ن) شروع میشود گردآوریم و حرف اول آنرا (که بنظر نگارنده پیشوند است) برداریم ریشه فارسی یا پسیار شبیه به فارسی میبدهد و تا حدی این وضع گلی است که جرات میتوان گفت استناد ندارد مثلا:

پذیرفتن بی‌جون چرای نظرهای سلطی در خاور زمین تاز کی ندارد اگر امروز چشم بدهان - پژوهشکران باخته دوختایم روز داری هم وجه تسمیه‌های افسانه‌آمیز و گاهی پسیار پیراء و بی‌نمک باریخ نویسان و جهان کردان را بی‌اسکه اندکی درباره آن بیانندیشیم می‌پذیرفتیم.

توضیه کتاب ممالک و ممالک یا عجایب و غرایب بنام هر شهری میرسید بی‌درنگ اثرا پیکی از فرزندان یانوادگان نوع نسبت میداد: همدان را همدان بن اقوش بن سام بن نوح ساخت ... کرمان را کرمان بن متوجه بن عدین عدد کرد و با یاوه‌های نظیر این! اگر تعجب و نظر خاص هم بیاوه سرانی چاشنی میزد ( که اغلب هم چنین میشد ) زرتشت سیستمده شخصن جادوگری شاگرد عزیز میشد و کتاب وی را می‌زدید! و بجادوگری می‌برداخت و پیش میشد! کوش بداشت تباری اسرائیلی مفترض میگردید و بخت النصر بنام بختارسی بفرزندی ویستاب (۱) درمی‌آمد. امروز هم گاهی رساله‌ها و مقاله‌های عجیب غریبی بعنوان تحقیق منظر می‌شود که یک محقق یا جهانگرد خارجی مثلاً موسیقی هارا بررسی میکند و در آن دو نوع می‌باید یکی بنام نقاره‌خانه ( که موسیقی نظامی است ) و دیگری بنام آواز که آرتیستهای در روز های آخر سال باریش و سیل و گیسوی مصنوعی و رب‌دوشامر سفید بلند و کلاه بومی پارچه‌ای ( که روی آن اسم نوشته شده ) در بازارها می‌خوانند ( مقصود در داشتند که از سطح عالی تحقیق پاپ و ترک‌دارند و میتوان گفت جز تحقیقات ادبی و بررسی زندگی و سیاست خداوندان شعر و ادب، پژوهش در مسائل دیگر را مطابق سلیقه خود نمی‌نایند و در نتیجه چنین شده بود که تبعات دانشمندان باخته زمین را

( حتی در مرور زیان و ادب فارسی ) بی‌جون و چرا مانند وحی آسمانی پذیرند ولی خوشبختانه چندی است که نیاز به پژوهشها یافته میشود که بزبان خودشان پسیار شیوه است و با جستجوی بیشتر دریافتند که مردم زیردستها از اینها خوددار لحاظ زیان پیوندی دارند ( البته هنوز زود بود که بومیان را وادار گردیده است تا یکبار دیگر مستورهای وحی‌های مانند جهان باخته و فرمولهای اختراعی دیگر آن را که چون اصل جر باندیشه ما تازه‌ای آغاز شد وزبان مردم جهان را بجهد

چند سالی است که در نوشته‌ها و کتابهای مربوط به معماری و ساختمان و پژوهه بر دفترهای فهرست بیها ملاط را گاهی با ( ط ) و گاهی با ( ت ) مینویسد. آنها که به ( ت ) مینویسد معتقدند که چون این واژه قارس است نایابها ( ط ) که بگمان اکثر مردم حرفی عربی است نوشته شود، بر صورتیکه اغلب واژه‌های معرف و کلمه‌های فارسی تازیگونه مخصوصاً با ( ط ) نوشته میشود مانند: پریط - ساپاط - طراز ( کارگاه ) و مانند آن و حتی واژه‌های چون سطبه - طبره - طبرستان - طاق و پسیاری دیگر هم که فارسی سره است برای اینکه با واژه‌های مانند اشتباه نشود به ط نوشته میشود و با این ترتیب بنظیر می‌آید که ( ط ) واژه‌ای را عربی نمیکند و ( ت ) هم برای اینکه واژه‌ای را فارسی کند کافی نیست. و بحث ماعم در این نوشته درباره املاء کلمه ملاط نیست بلکه میخواهیم در صوره این اصطلاح معماری و نظایر آن اندکی پژوهش کنیم و یا دست کم پیش از آن اوریم که ماجنیزان و خوانندگان مجله هنر و معماری و هنر ایران را برانگیزد تا هویت اصطلاحات فنی و هنری ( و حتی علمی وادی ) منتشر کرد در زبانهای فارسی و تازی را جستجو کنند.

تا چند سال پیش دانشمندان ما، تا همایگان ما ( حوصله آنرا نداشتند ) تا یکچکاکاوی و بی‌جوانی مطالبی را که اغلب بنظرشان کوچک و بی‌همیت میگردند و کند کشند و شاید در اغلب موارد دونشان خود می‌دانستند که از سطح عالی تحقیق پاپ و ترک‌دارند و میتوان گفت جز تحقیقات ادبی و بررسی زندگی و سیاست خداوندان شعر و ادب، پژوهش در مسائل دیگر را مطابق سلیقه خود نمی‌نایند و در نتیجه چنین شده بود که تبعات دانشمندان باخته زمین را ( حتی در مرور زیان و ادب فارسی ) بی‌جون و چرا مانند وحی آسمانی پذیرند ولی خوشبختانه چندی است که نیاز به پژوهشها یافته میشود که بزبان خودشان پسیار شیوه است و با جستجوی بیشتر دریافتند که مردم زیردستها از اینها خوددار لحاظ زیان پیوندی دارند ( البته هنوز زود بود که بومیان را وادار گردیده است تا یکبار دیگر مستورهای وحی‌های مانند جهان باخته و فرمولهای اختراعی دیگر آن را که چون اصل جر باندیشه ما تازه‌ای آغاز شد وزبان مردم جهان را بجهد

ذنب = ن = قب و قب برایر گاو فارسی است  
 نظر = ن = قر و قر برایر کرو خار و خل فارسی  
 تهیج = ن = هچ و هچ همان هچ یا هچ فارسی است .  
 نقل = ن = قل و قل همان کرو کرای فارسی است که هنلا در کاروان و کراو کریت دیده میشود .  
 نقص = ن = وکس (ورشت)  
 نشاط = ن = و شاد بهمهجنین \* و چسون پیشوندی بر سر ریشه های دوحرفی مشترک میان فارسی و عربی درآمده و واژه ای عربی ساخته است .  
 وعظ = واز و وضع = وقار و زار گذاشتن و گزاردن هر دو

و جد = و = گدوشاد کاهی دو کلمه فارسی و عربی که از یک ریشه گرفته شده چنان تغییر شکل و تلفظ یافته که شناخت آن بسادگی میسر نیست هائند حمل - ابره - ایسر و حتی وحی - ونگ (بانگ) لون - رنگ - بوت - لود (درالود و پالود) ورشت - یاس - بیش - راسیه - راست - لاده (سگ) Reclam طبع - تایپو و تیپه -

بنبوع - هبیوه (ابوه) و ابیزاد - زود (درافرود) غش در آغشته - غل در دغل نسر - در کاست و پیماری دیگر .

گذشته از اینها وضع باها و وزنهای عربی و پخصوص حرفهای اول آنها همان کاری را میکند که در زبان فارسی بهمده پیشوند گذاشته شده .

اعمال - پیشوند «آ» در فارسی (چون آکنن ، امرزیدن - آمیختن و غیره )

انعال - پیشوند «ن» در فارسی (چون نمودن - نهادن - نشاندن ...)

استفعال - پیشوند از وش وس در فارسی (چون آزمایش - شناختن ...)

همریشک در فارسی و عربی (حتی عربی) بقدیری زیاد است که توضیح آن بیاز بجدد کتاب قطور دارد و امیدوارم کسانیه در این رشته کار هیکنند با تحقیقات خود حد آنرا تا آنجا بیانند که روزی بتوان گفت تقریبا در این مورد استثنای وجود ندارد و یا اگر داشته باشد چنان نادر است که میتوان آنرا چون معدوم داشت بان میگردیم بدیحث اصلی معنی کلمه ملاط .

در اغلب فرهنگیها و کتابهای علمی چون بنام کیومرث میرسند آنرا چیزی هائند (حی ناطق هست) یازنده گویای میرزا میدانند و این تغییر دست به دست گشته و از کتابی به کتاب دیگر منتقل شده و حالت مسلم بخود گرفته است .

منتها یک کتاب ( تا آنجا که نگارنده

میداند ) یعنی فرهنگ رشیدی در قسمت معرفات کیومرث را پنحوی دیگر معنی کرده دور دوم آنرا با مرگ و میراثی می ارتباط دور دوم آنرا با مرگ و میراثی می ارتباط میدانند و دانشند گر این آفای عباسی هم که ویراینده آن فرهنگ بوده اند پیزندگان را با متن موضوع توجه داده ، آنرا شایسته بررسی دانسته اند .

با هنایه و از مرث (و یا توجه باشکه همه جا با (ت) توشه میشند مگر در کتابهای تازه ) و با واژه ها نظری همین بمنظیر میآید که واژه معنای گل و خاک باشد هائند مهر - مردانگ ( یا مردمگ ) - ماج عربی - مرتبان ( پستو کوزه گلی و تاپو ) ملاس - مهر گیا ( که تا حدی میتوان آنرا موجود نخستین داشتن و شگفت است که درست این واژه هنلوب کیومرث است ) - مهری و مهریانه ( ادم خاکی و حوا بنظر ایرانیان )

مهمی و مهیله و بالآخره مردم یا موجودات خاکی : و با این ترتیب کیومرث را میتوان موجود خاکی ( هائند آدم ) داشت و تازه اگر مرث با مردن هم ارتباطی داشته باشد باید توجه داشت که مرده نیز ، یعنی خاک شده ( ریشه اصلی برای مرگ و زندگی اوش و افسوس است ) .

در زبان مردم و گاهی نیز در آثار ادب فارسی واژه هایی چون ملتگ و مل و چیز های شبیه به آن بکوش میخورد که معنای وارتفنگی ( هائند گل ) گرفته شده هائند ملتگ ( مت و بیحال ) ملتگ ( اصطلاح بنایی دیوار یا ستونی لرزنه و نا استوار ) مل ( با فتحه ) رنگ گل ( چشم مل ) و بالآخره آهل و آمورد نیز به سر زمین های اطلاق میشده که نام اطراف آن از گل گرفته شده ( گیلان - طالش با گالش - دیلم ) و ملاردنیز نام زمینهای گلکن است .

چون نام دیگر یا لقب کیومرث یعنی گشارة تجزیه کشی باز بهمین ترتیب میرسیم که از دو واژه گل و شا (معنای حیات و وجود) گرفته شده و عینا همان موجود خاکی میشود و آنگاه در می باییم که چرا ایرانیها

معتقد بودند از مهر گیای مردم گیا - کیومرث یا مرد نخستین پدید آمد و چرا مهری و مهریانه بجای آدم حوا گرفته شده اند و بدیختیت بدایتم که واژه طبع (۱) عربی هم که بعدها نیاز نداشت کار هیکنند با تحقیقات مهر کردن بوده ( واکون بجای جاپ بکار میزود ) باز معنای گل است هائند (مهر) و نظری آن در فارسی تاپو (خم گلین ) و پیده میباشد .

ملاط یا ملات هم که در فرانسه Merterre و در انگلیس Murrar و در آلمانی Mürtel گفته میشود باز معنای گل و نظری جز دوم کیومرث است و بنظر میآید که بیانگی در زبان عرب مرسوم شده

جون در کتب المجد چاپ قدیم در ذیل ریشم ل ط کلمه ملاط نیست و فقط کلمه ملیطه ( حوضی که با گل آهک اندود شده ) آمده است ولی در چاپ های جدیدی این فرهنگ قبل از همه بصورت ملاط و معنای رایج در فارسی درج شده است و باسانی میتوان پذیرفت که در هر صورت این واژه هم مانند کلیه اصطلاحات معماري و بنائی از فارسی بیان عرب درآمده است و این و انتقال هم بیانگی انجام نشده (جون برخی متون کهن عربی که مولف آنها ایرانی بود دیده شده است ) وابونصر فراهی بعنوان یک واژه عربی در نصاب المصیبان آورده است و برایر فارسی آنرا آزند - داشته کمدر زبان کنونی ( در هیچیک از نقاط ایران ) رایج نیست ... ولی باید توجه داشت که سراینده نصاب المصیبان بسیاری از واژه های با اصل فارسی و حتی کلمات مغرب را عربی داشته و چون پیشتر فرهنگ های فارسی حاوی لغات و اصطلاحات رایج شمال شرقی ایران بوده است کاییکه در این رشته کار کرده اند از واژه های فارسی ( گویش مردم فارسی ) و خوری و کرمانی و گویش های مردم هر کفر ایران که پیشتر باوازمه های قازی هم ریشه است آگاه نبود آنرا عربی ضور کردند .

واما املاء کلمه با ( ط ) یا ( ت ) .

اگر در واقع خواسته باشیم پیشوند فرهنگ امروز دیروز خودرا حفظ کنیم و بخصوص خط کنونی را ( که میتوان ثابت کرد هائند کلیه خطوطی که بعری معروف است از خط اوستانی گرفته شده ) تا آنجا که ممکن است امیل بکار ببریم بعقیده نگارنده باید بجای ت از ط استفاده کنیم چون شکل اوستانی این حرف ( ص ) است و این حن دیگری هم دارد که با ( ب و ث و ت و گاهی بای ون ) هم اشتباه نمیشود بخاطر دارم که سال گذشته کوشش شده بود تا برای سهوالت نگارش ط را که در املاء محدودی از کلمات فارسی بکار ببریم و از خط خارج کنندولی تا چنین نشده بهتر است این کلمه (مشترک میان دو زبان ) را هائند ساقی با ط بنویسیم توضیح : در این مقاله که در زمینه معنای نوشته شده فرست این نبود تا پیشوند وسیع فارسی و قازی مشروحاً توضیح شود ولی در نظر است با همکاری واستفاده از داشت یکی از داشتندان ( که مطالعات وسیع در زبان شناسی دارند ) در این باره مفصل بحث شود . فایده اینکار دست کم اینستکه بحث تازه و حرف تازه ای را پیش میکند و اظهار نظر های مختلف و موافق تاحد زیادی ببروشن شدن موضوع کمک میکند شاید باین ترتیب به بسیاری از بحث و جدل های تعصب آمیز پایان داده شود .

مواد ایزو لاسیون

در خدمت زیبائی و استحکام  
ساختمانها و کارخانجات

از محصولات کارخانجات :  
الکوتینز و آر . پی . ام آمریکا

# FOUR SEASONS

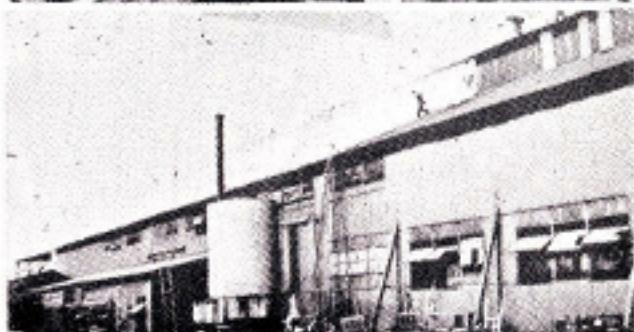
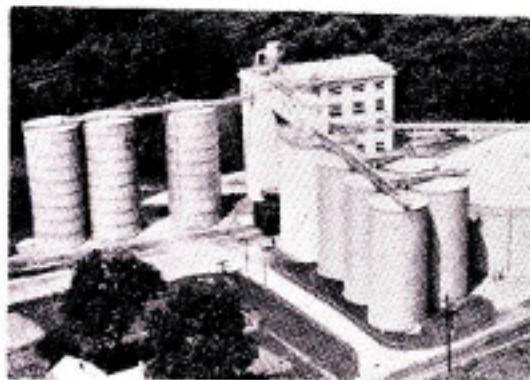
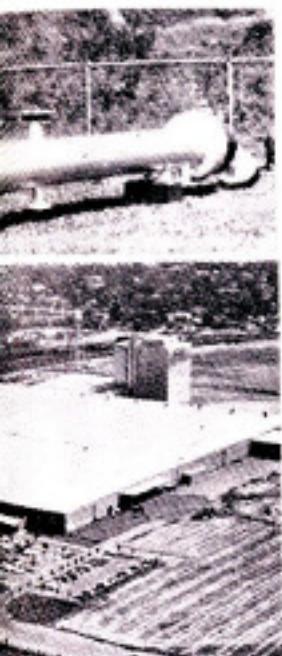


# **FOUR SEASONS ALCOATINGS**

فورسیزن و ماستیک بلاک بدون احتیاج به پوش محافظتی بعات مقاومت فوق العاده در مقابل حرارت برودت برای عایق کاری سقفهای شب‌دار، منابع و کارخانجات مورد استفاده فرا رسیده.

کارخانجات معلم آکوئیتگر آمریکا  
با پیش از نیم قرن تقریبی نهاده شده بمناسبت  
مواد ابیولاسیون و انواع رنگهای ساختمانی  
و محافظتی را تولید نمایند. کارخانجات  
فوق سازند پیش از یکصد و نهونم کالای گوناگون  
ساختمانی میباشد که کلیه آنها در ایران  
موجود و توسعاً رکت همایی زربوش نماینده  
انحصاری آن کارخانه در خاور میانه عرضه  
میشود.

در زیر بعضی از مواد ساخت این کارخانه بطور مختصر معرفی میشوند:



ب - الکوت ملٹسٹک لائٹ Four Seasons

الف - فورسيزن

### All-cote mastic Black

این عایق مشخصات نوع فورسیزن را  
داراست با این تفاوت که رنگ آن سیاه است.  
در سطوح افقی میتوان روی آن موزائیک  
فرش کرید و در سطوح شبیه دار و عمودی  
میتوان آنرا با رنگ مخصوص هاستیک پلاک  
که در رنگهای مختلف موجود میباشد

عایق کاریهای فوق بوسیله تیم اجرائی شرکت زریوش انجام میگردد و در تمام مرافق متخصص ورزیده شرکت همواره نظارت کامل داشته و پس از پایان کار در صورتیکه سطوح مورد عایق افقی باشد روى آن بیند ۸ ساعت آب نگهداری میشود. سیستمهای عایقکاری فورسیزن و ماستیک بالاک بیند ۱۰ سال از طرف کارخانه

ازایش صفحه مقابل این تصمین را  
تائید ننماید.

این ماده بصورت خمیر آلمونیومی

رنگ عرضه میشود و هنگام استفاده از این خمیر اختیاجی به گرم کردن نیست . در اجرای گاپکاری این سیستم مواد دیگری نیز بکار میبرود که ذیلاً بر ترتیب اجرا مشخص شوند :

- ۱- ایتدا کلیه زوایا و درز های افساط با ماده پلاستیک سخت و توری شیشه ای
- ۲- اینچی فلاشینگ میگردد.
- ۳- این در تمام سطحه زده هر

- ۴- توری شیشه‌ای در تمام سطح نصب
- ۳- فشر اول فورسیزن در تمام سطح زده میشود.
- ۲- شود.

۵- قشر دوم فورسیزن در تمام سطح زده میشود.

این عایق بسب رنگ آلومینیومی خود  
اشعه آفتاب را بیزاران قابل توجهی منعکس  
میکند و این امر باعث تقلیل درجه حرارت  
در زیر سقف میشود.

تکنیک مدرن در معماری امر و زامکان  
بکار گرفتن حجم های هندسی مختلف را  
میدهد ولی استفاده از سیستمهای عایق کاری  
قدیم برای پوشش این حجم ها مشکل و  
بعضی موارد غیر ممکن است.

اعلَبُ باهْمَا کاه جزئی از شای ساخته‌مان را تشکیل میدهدن بهمین دلیل تهها مواد عایقی میتواند مورد استفاده قرار گیرد که بتوان از آن در هر شرایط در هر شب و گردش و فرمی استفاده نمود و بدون آنکه احتاج به فرش، کردن آن سطح باشد و

همنا در شرایط جوی نظیر جنوب یا شمال ایران و نواحی سرد سیر مقاوم باشد و در اثر اختلاف شدید حرارتی تغیر حالت ندهد. کارخانجات الکتوئینگر آمریکا با

توجه به تحولاتی که در معماری بوجود آمده عایق‌های معروف فور سیزن و ماستیک بلاک را بوجود آورده است و عایق‌های فوق طی سالیان گذشته در کلیه نقاط ایران مورد استفاده قرار گرفته و نتیجه بسیار درخشن بوده است.

در شرایط حاد جوی ترک نمیخورد .  
 این رنگ بدت پنج سال از طرف  
 کارخانه سازنده تضمین میشود .

۲ - امریکانا اکریلیک لیتکس  
 American Acrylic Latex

امریکانا در دو فرمول مختلف برای  
 رنگ آمیزی نمای داخلی و خارجی ساختمان  
 ساخته میشود . از مشخصات برجهته این  
 رنگ خاصیت قابل شستشو بودن آن می -  
 باشد . امریکانا اکریلیک لیتکس در رنگهای  
 مختلف موجود بیانام مشخصات فوق العاده ای  
 که دارا میباشد بسیار ارزان به بازار عرضه  
 شده است .



## نیروی زمینی شاهنشاهی

ALL COTE MASTICBLACK

آزمایش بر روی الکوت ماستیک بلک

۱- اثر حرارت : عایق منبور را بر روی ورقه ای از فلز قرار دادیم و پس از خشک شدن درون اتovo قرار دادیم این مساده تا حرارت  $160^{\circ}\text{C}$  کاملاً مقاوم بوده و جاری نمیشود در ضمن تا این درجه حرارت چسبندگی ایجاد نمده بسیار جزئی میباشد \*

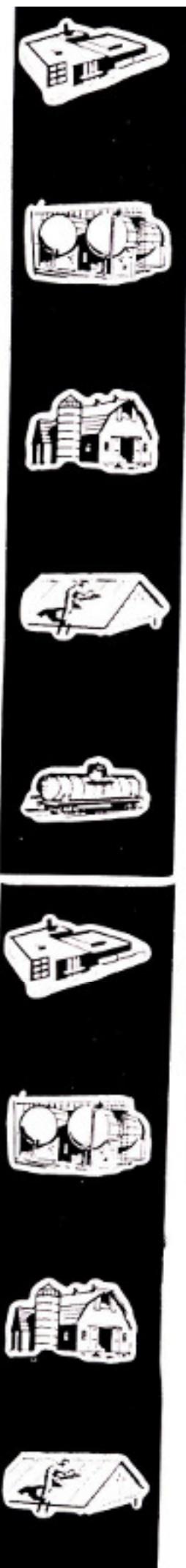
۲- شوک حرارتی : عایق منبور را پس از اینکه چندین بار در حرارت و بروزت

از ۱۰۰ تا ۳۰ فراز دایم تغییر شکل نداده \*

## رنگهای ساختمانی

۱ - امریکانا نافایبر داکریلیک لیتکس  
 American Fibred Acrylic Latex

در تهیه این رنگ از فرمول خاصی استفاده شده که آنرا از سایر انواع متابه متمایز کرده است . وجود از بست کانادائی دوام آفر تضمین مینماید . این رنگ در نما های پتوانی - اجری و حتی گچی موره استفاده قرار میگیرد و در ضمن اینکه سطح خارجی بنارا در برای رطوبت عایق میکند بسب ترکیب خاص به مصالح بکار رفته در نما اجزاء تنفس میدهد و بعلاوه سورت قشر فوق العاده سخت در میآید که



در مقابل آب و چووا و شرایط اقلیمی منطقه شمال شیامپیر باید :

لایه ای از شاپنگ فورسین و پلاسی در نوشتر - برای شاپنگ نمودن نما و دیوارها مسحه ماقبل :

رنگ اکریلیک آمریکانا نافایبر استفاده شده است که عیناً از طبقه و لایه ساختمان از شاپنگ فورسین و پلاسی در نوشتر - برای شاپنگ نمودن نما و دیوارها مسحه ماقبل :

## Alcoseal

### ۵ - الكوسيل

سطوح اسفلتی پمپ پنزینهای و تعمیر گاه ها و آبرن فرودگاهها در اثر ریزش پنزین و نفت و روغن از بین رفته و باعث خوارات فراوانی میگردد. الکوسيل پرنگ خاکستری سبز یا یاک پوشش اسفلت را عایق نموده و عمر آن را چندین باره و خاصیت ضدلغزندگی به سطح مورد استفاده میبخشد.

## Lustron Bakelite Clear

لاستران برای محافظت نماهای چوبی مورد استفاده قرار میگردد. لاستران پرنگ یوده و حداقل مقاومت را در مقابل اصطکاک و ساییدگی دارد. بعده وجود ماده پکلایت در ساختمان کلیر فوق موارد استفاده بیشماری میتوان یافت. از لاستران میتوان روی سطوح سیمانی - فلزی - انواع کفهای چوبی - کف سالهای رقص و اسکیتیگ استفاده نمود.



برای کسب اطلاعات بیشتر خواهشمند است با شانسی زیر تماس حاصل نماید.

شرکت شهری زریوش.  
خیابان روزولت شماره ۲۳۶ تلفن: ۸۲۷۰۹۱

### مواد محافظتی

#### ۱ - درای اسپل ( عایق ترانس پرانت )

Dry Spell Transparent Waterproofer

درای اسپل برای عایق نمودن نماهای آجری و سیمانی و سنگ موردن استفاده قرار میگیرد. درای اسپل بدون آنکه کوچکترین تغییری در نمای ساختمان بدهد آنرا در مقابل رطوبت و باران عایق مینماید. وجود ۵٪ سیلوکن در ساختمان درای اسپل دوام آنرا ۵۰٪ مینماید.

#### ۲ - فلکسیکریت فلور هاردنر

Flexicrete Floor Hardener

فلکسیکریت بهترین محافظ برای کفهای پتویی در بناء و بخصوص در کارخانجات میباشد. فلکسیکریت بصورت مایع در دو نوع پوسیله قائم مو یا پیستول روی کفهای پتویی زده شده و باعث میگردد کنهای پتوی در مقابل ترافیک های سنگین و اصطکاک و خربه کاملا مقاوم وسائیده نشود. ضمنا در برای ریزش آب و مواد نفتی و شیمیایی عایق میگردد که این خود در نظافت کنها بسیار موثر میباشد.

#### ۳ - رابرآل

رابرآل برای محافظت و عایق نمودن انواع سطوح مورد استفاده قرار میگردد این رنگ در مقابل کلیه اسیدها و گازها و تا ۱۲۰ درجه سانتیگراد حرارت مقاوم میباشد.

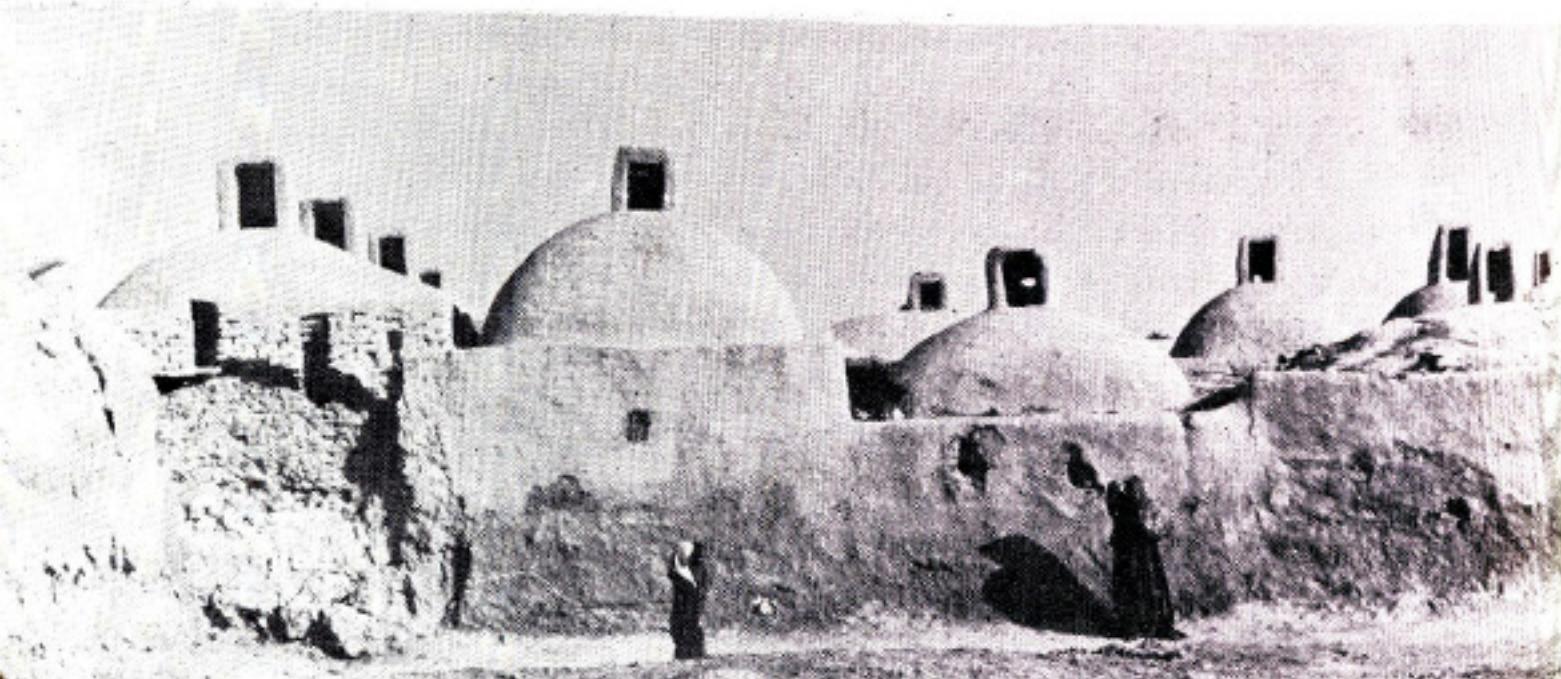
رابرآل در رفگهای آبی و سبز برای رنگ آمیزی و عایق نمودن استخراج نیز مورد استفاده قرار میگردد.

#### ۴ - سیلوتكس

سیلوتكس یاک پوشش محافظتی غیر سمی بوده و برای عایق نمودن آثارهای سیلو و مخازن آب آشامیدنی مورد استفاده قرار میگیرد. سیلوتكس بصورت قشر سختی از زنگکزدگی سطوح فلزی جلوگیری مینماید. سیلوتكس روی سطوح سیمانی و فلزی و همچنین برای فوتداشون ساختمانها مورد استفاده قرار میگیرد.



سیمائی از روستاهای ایران



de connaissance des arts et architecture du passé américain que du passé de l'Iran ; il y a comme une espèce de refus des caractères véritables, mais restent toujours l'art iranien, la vie iranienne et le moyen iranien de concevoir l'art.

Je crois qu'il y a très peu l'intention d'étudier le passé de l'Iran car ce qui survit n'est que la décoration, c'est-à-dire la surface du passé.

Une chose qui frappe : l'unité de l'ensemble et la parfaite adaptation des détails à l'ensemble, tandis que ce qu'on bâtit maintenant, même acceptable du point de vue projet, manque d'unité.

J'ai visité l'Iran il y a 5 ans. Dans ces 5 ans il y a eu un progrès dans la standardisation du bâtiment, mais il n'y a pas cette perfection d'homogénéité, ce sens de l'unité de l'ensemble même si elle est naturelle et de plus on a perdu l'idée de l'espace. Par idée de l'espace, je considère le rapport avec le ciel, les nuages, les montagnes et aussi la succession des espaces construits admirablement comme dans le bazar d'Ispahan où une maison est bâtie après l'autre, sans aucun plan et le tout devient une ligne sinuuse qui joint la Mosquée du Vendredi à la Grande Place et forme une continuité admirable conçue par des hommes qui ont donné une capacité de voir en achetant et de créer en même temps un art visuel.

Il faut bâtir des espaces pour la vie qui soient intéressants, ce que j'appelle le patrimoine, la richesse de toute la ville pour que tout habitant, comme ceux d'Ispahan, ait quelque chose à lui. Même en habitant une pauvre maison démolie et délabrée, les habitants d'Ispahan ont la beauté des mosquées, du bazar et de la Grande Place, Ispahan où chaque habitant se reconnaît dans elle et l'aime plus qu'une autre ville car elle est plus belle et plus adaptée qu'une autre ville.

Et je crois que ceci est très important.

On peut dire qu'il y a des raisons nouvelles, et ces rues-là sont la première phase d'un renouvellement de toute la ville, mais je crois qu'on ne peut pas tracer des rues sans savoir quelle sera la société à venir.

La crise de l'architecture est la crise de la division entre l'idée de l'architecture et l'idée d'une ville qui à présent n'existe plus, et l'idée de la maison ou d'une autre structure architecturale partielle.

On parle ici de technologie ; avec la technologie on peut faire de l'architecture, mais cela est insuffisant, car il faut avoir la capacité de maîtriser la technologie et la mettre au service de l'architecture.

Ce qu'on pratique maintenant est la possibilité de renouvellement des idées ; nous aurons peut-être, dans l'avenir, une tradition morte de l'architecture américaine.

On ne peut pas définir l'amour, la vie ; donc les grandes idées n'ont pas la possibilité d'être définies et contenues dans une définition vocale.

Pour un homme, comme pour un peuple, il y a toujours le passé et l'avenir, il n'y a pas d'homme sans mémoire car autrement il ne serait pratiquement pas possible de penser. Et ce qui distingue l'homme de l'animal, c'est bien la faculté de penser.

La tradition c'est la mémoire intime de chacun de nous, la tradition globale de la mémoire du passé, mémoire voulant dire plutôt esprit de la forme du passé.

Je crois que l'Iran à présent n'a pas une mémoire valable pour le futur du passé, l'Iran a la volonté d'avoir une mémoire et c'est très bien.

Mais j'ai vu que les architectes ont plus de mémoire et

L'interview de M. Fereydoun  
Arastou Zadeh, représentant  
du Magazine « L'Art et l'Architec-  
ture » avec M. Ouaroni  
célèbre architecte italien,  
au premier congrès international  
« architectural » en Iran.



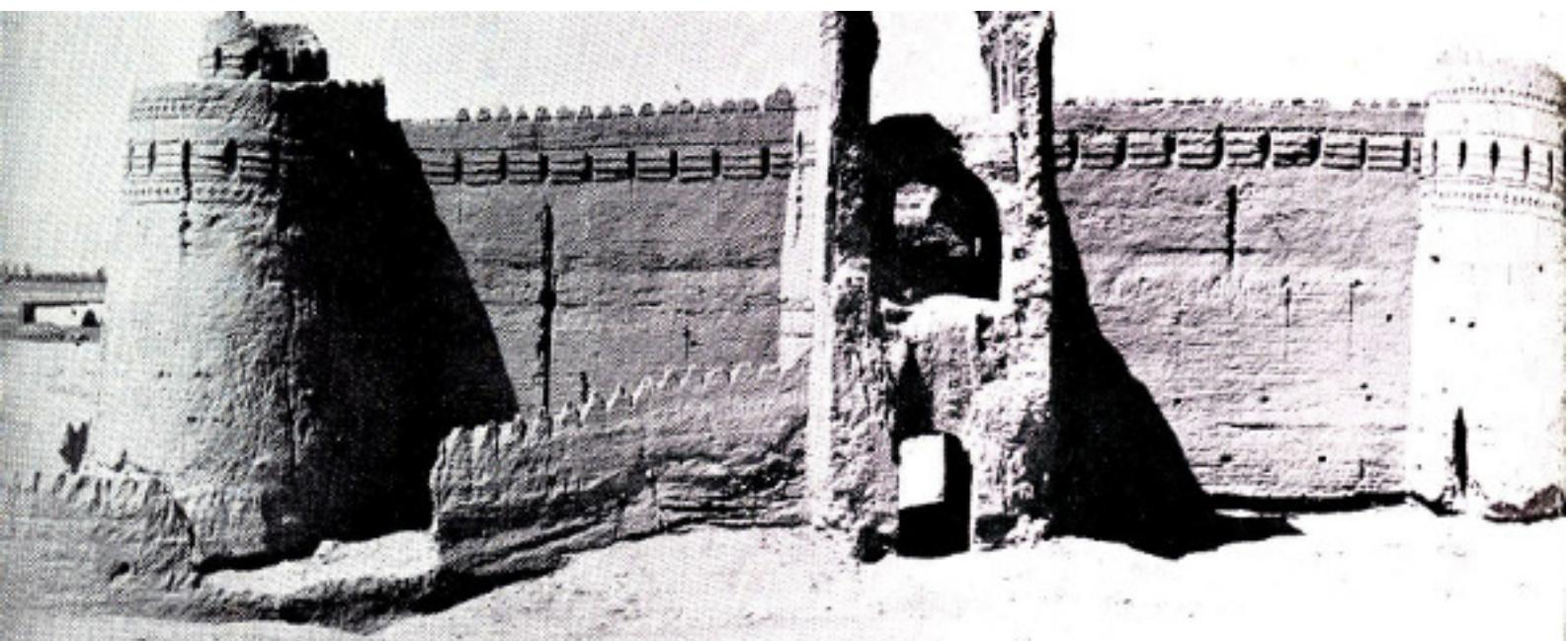
Je suis venu pour la troisième fois en Iran il y a 5 ans car j'étais intéressé par l'architecture iranienne ; j'étais durant la guerre en Inde comme prisonnier de guerre.

J'ai commencé par étudier l'architecture du Moyen Orient, l'architecture musulmane ainsi que l'art oriental. Je suis attiré par cet art, intéressé par l'Iran, l'Inde car je pense que je peux trouver un modèle de ville et nous pouvons, jusqu'à présent, trouver ces villes vivantes et intactes, chose qui n'est plus possible en Europe.

Je pense qu'Ispahan, Kachan, Yazd, Naïne nous montrent comment étaient les villes anciennes du point de vue de la vie des hommes comme de la vie politique, de la décision de construire quelque chose de beau pour le peuple aussi bien que pour les besoins politiques.

Je pense que les villes iraniennes sont intactes malgré les routes qu'on a construites récemment, malgré les bulldozers qui ont brisé des fragments de ces villes, ces bulldozers dépourvus de raison...

Je pense que maintenant il y a des idées de ville, des idées nouvelles, intéressantes, simplement posées là comme idées et rien d'autre et qu'on peut y tracer un réseau routier, créer des files dans lesquelles il faut d'autres compositions. Il faut considérer que la ville est une unité, les rues sont liées au tissu des ruelles et même des maisons. Il ne doit pas être permis de percer des rues, des avenues juste pour faciliter le trafic et détruire ainsi la réalité d'une ville ancienne.



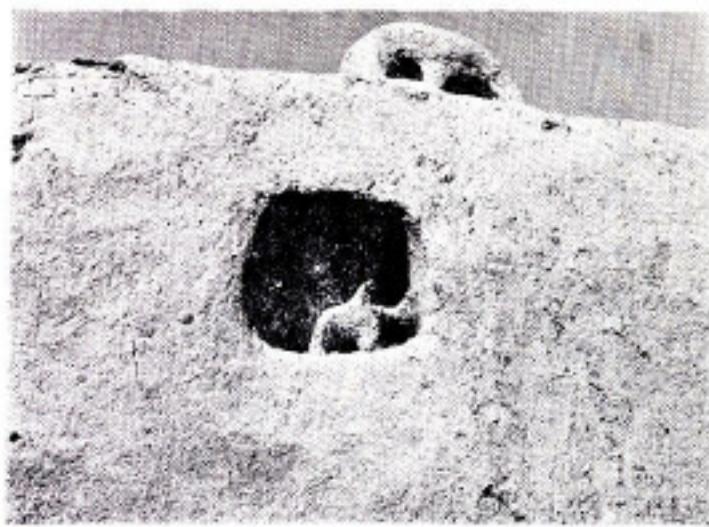
سیماهی از روستاهای ایوان



Jusqu'à présent, pour la majorité des ménages, dont presque 70% vivent en milieu rural, la méthode traditionnelle pour se loger est l'effort personnel. Malgré les matériaux très primitifs, en tenant compte des techniques appliquées, on est amené à dire que les ménages ruraux ont assez bien réussi dans la construction de leurs logements. Mais pour la population urbaine, l'obtention des logements convenables est plus difficile qu'au village, car les coûts de la construction sont élevés, les revenus annuels sont relativement faibles et l'effort personnel ne peut jouer un grand rôle.

La Banque d'Hypothèque et quelques autres banques, ainsi que la Société d'Assurance de l'Iran accordent des prêts à la construction et à l'achat de logement, mais les remboursements mensuels sont tellement élevés qu'il dépassent assez souvent la possibilité financière des familles.

En Iran, des offices ou des sociétés coopératives de construction ont été récemment créés pour assurer des logements aux familles, avec l'aide et sous la direction du Ministère du Développement et du Logement. Ce dernier utilise en plus, directement ou indirectement, une part considérable de ses ressources financières et techniques pour procurer des logements aux familles à faibles revenus, aux employés et aux ouvriers.





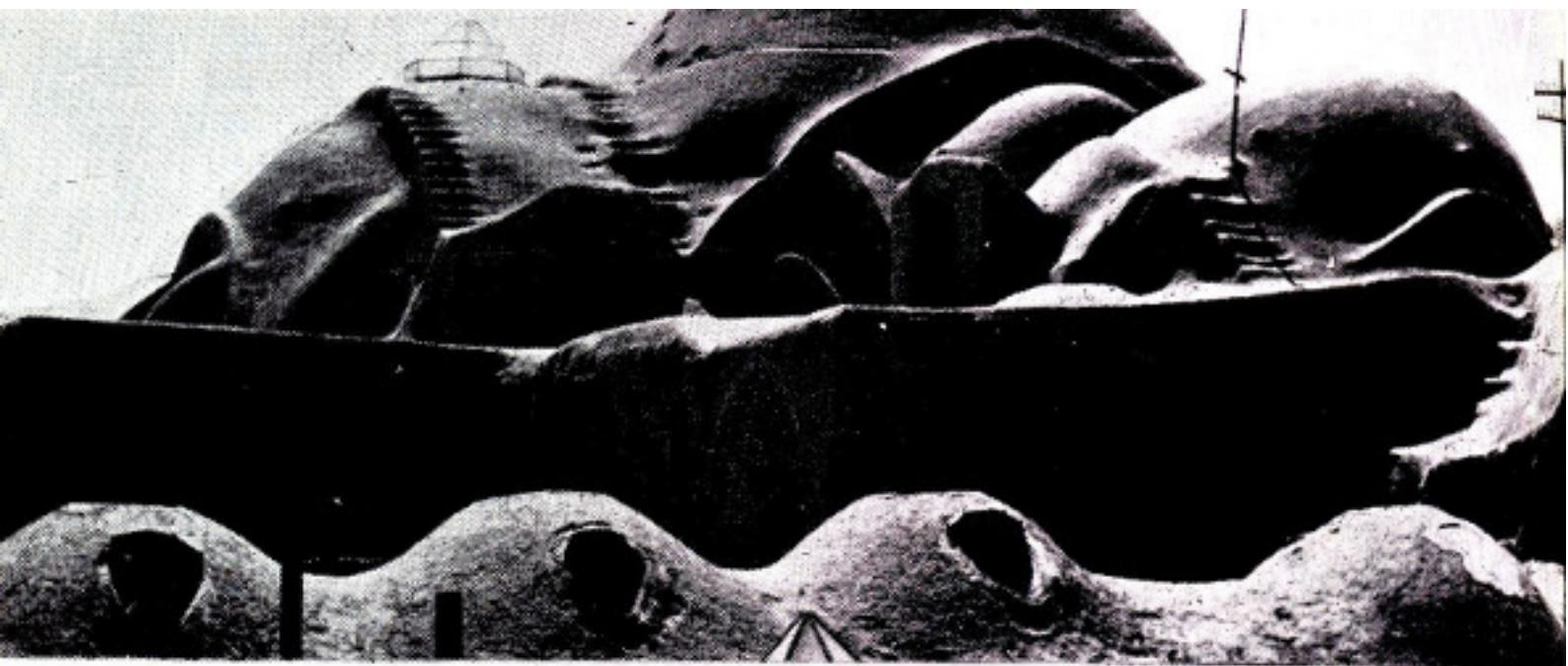
Certains travailleurs, surtout ceux qui sont dans les grands établissements publics ou privés reçoivent du gouvernement ou de leurs employeurs soit un logement ou un terrain, soit une aide financière.

D'autres peuvent acheter des petits terrains, se procurer des matériaux à bon marché (et pour la plupart médiocres) existant sur place et enfin construire eux-mêmes leurs logements. Mais la plus grande partie de ces unités de construction est généralement de qualité inférieure. La surface totale moyenne de ces maisons est de l'ordre de 100 mètres carrés, avec 3 ou 4 petites pièces ayant chacune comme surface, approximativement 10 mètres carrés.

Le gouvernement iranien a contribué dans la mesure du possible à améliorer les conditions de l'habitation des classes moyennes et pauvres dans les villes aussi bien que dans les villages, grâce aux séries H.B.M. (habitation à bon marché) dont voici quelques exemples :

<u>Localité :</u>	<u>Nombre de maisons</u>
Narmak, Région de Téhéran .....	1216
Nazi-Abad, Région de Téhéran.....	870
Tchaharsad dastgah, Région de Téhéran.....	400
Farah-Abad, Région de Téhéran.....	590
Kane, Région de Téhéran.....	1.200
Région de Ghazvine.....	1.160
Région de Khouzistan.....	539

Malgré cela, il reste un nombre considérable de ménages qui ne sont pas à même de construire un logement et qui, d'autre part, ne sont pas logés par leurs employeurs et dont les ressources financières ne leur permettent que de se loger dans des taudis surpeuplés et insalubres. Le gouvernement est actuellement en train d'agir, soit en construisant des maisons de bonne qualité, soit en accordant des subventions pour permettre à ces ménages d'acheter ou de construire des logements convenables.



## Quelques aspects du problems du Logement en Iran

- 4- Les investissements de différentes banques, surtout la Banque d'Hypothèque de l'Iran
- 5- L'effort personnel

La classe aisée et, dans une moindre mesure, la classe moyenne ont les moyens d'acheter ou de louer des maisons confortables, soit qu'elle aient des économies, soit qu'elles obtiennent des prêts des institutions de financement dont la plus importante, la Banque d'Hypothèque. Les prêts accordés par cette banque pour les différentes années se classent comme suit :

Année	Montant en dollars	Indice
1950 .....	1.173.909.....	100
1951.....	2.332.263.....	L98
1952.....	2.459.760.....	209
1953.....	3.038.941.....	258
1954.....	4.627.819.....	394
1955.....	6.960.390.....	592
1956.....	6.960.748.....	592
1957.....	8.453.879.....	718
1958.....	12.150.260.....	1.033
1959.....	17.770.084.....	1.510
1960.....	16.536.941.....	1.406
1961.....	15.707.772.....	1.335
1962.....	15.337.105.....	1.304

